

پیمان منتظران

بیعت نامه یاران حضرت مهدی (عج)

احمد سعیدی

بسم الله الرحمن الرحیم

پیمان منتظران : بیعت یاران مهدی

نویسنده:

احمد سعیدی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پیمان منتظران: بیعت نامه یاران مهدی علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : سعیدی، احمد، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور : پیمان منتظران: بیعت نامه یاران مهدی علیه السلام / مولف احمد سعیدی.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۱۲۶ ص.

شابک : ۱۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۸۷-۲ ؛ ۱۲۰۰۰ ریال(چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۸۹.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- یاوران

موضوع : بیعت

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/س۷۴پ۹ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۳۲۷۶۱

ص:۱

اشاره

آغاز سخن

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

الحمد للَّه ربّ العالمین وصلّی اللَّه علی سیدنا محمّد

و آله الطیبین الطّاهرین، سیما بقیه اللَّه فی الارضین

ولعنه اللَّه علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین.

پروردگارا! ما کلام فرستاده ات را شنیدیم که فرمود: به خدایتان ایمان بیاورید. پس ایمان آوردیم و مؤمن شدیم.(۱)

بارالها! تو فرمودی که رسولم را اجابت و تصدیق کنید تا شما را به سر منزل مقصود برساند، پس او را اجابت کرده و تصدیق نمودیم.(۲)

معبودا! نسخه سرنوشت انسان و قرآن تو که معجزه پیامبرت می باشد به ما رسید، پس اوامرش را شنیدیم و از نواهی اش پرهیز کردیم.

خداوندا! با ابلاغ پیک تو، راه و رسم ایمان و زندگی و عبادت را در

۱- ۱. رَّبَّنا إِنَّنا سَمِعْنا مُنادِیاً ینادِی لِلْإِیمانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّکُمْ فَآمَنّا...»؛ سوره آل عمران، آیه ۱۹۳.

۲- ۲. یا أَیها الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیبُوا لِلَّهِ ِ وَلِلرَّسُولِ إِذا دَعاکُمْ لِما یحْییکُمْ...»؛ سوره انفال، آیه ۲۴.

پیروی از ولایت و امامت ائمه دین یافتیم، آن گاه شیعه بودن علی و اولادش علیهم السلام را به جان خریدیم.(۱)

آفریدگارا! رسول تو فرمود که بعد از من دوازده خلیفه و جانشین، دوازده هادی و مهدی، دوازده امام و راهنما خواهد بود، و مزد رسالت من فقط در محبت به اینان است، پس پیرو آنان باشید و ما نیز با جان و دل پذیرفتیم.

خدایا! یک یک آن امامان علیهم السلام که همان انوار درخشان دنیا و آخرت اند، به راهنمایی مردم زمان خود پرداختند؛ اگرچه مردم قدرنشناس و جاهل و کینه جو، حرمت آنان را نگه نداشتند و این یازده گل هستی را پرپر نموده و شهید و مسموم کردند.

اینک ماییم و آخرین امام و راهنما، ماییم و آخرین ذخیره و منجی، ماییم و آخرین سفیر الهی، وارث همه انبیا و اولیا و امامان علیهم السلام؛ ماییم و غیبت، ماییم و انتظار، ماییم و کسب آمادگی ظهور، ماییم و امید درک حضور، ماییم و شوق حکومت آن دادگستر جهان ...!

«بیا عهدی ببندیم»!

این ندا از کیست؟ و مخاطب آن کیست؟

آیا امام، ما را می خواند و به راه دعوت می کند؟ یا ما از آن وجود مبارک می خواهیم و تمنّا می کنیم؟

چه ما از تو بخواهیم که هر چه زودتر از پس پرده غیبت بدرآیی تا

۱- ۳. یا أَیها الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَیکَ مِن رَّبِّکَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَاللَّهُ یعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا یهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ»؛ سوره مائده، آیه ۶۷.

چهره دل ربای تو را مشاهـده کنیم و با تو عهـد ببنـدیم و یا تو از ما بخواهی که از راه های انحرافی برگردیم، از راه گناه، توبه کنیم، از راه عصـیان و نافرمـانی دست برداریم، و به سوی تو بیاییم، تو که بیشتر منتظر مایی و چشم به راه شـیعیانت می باشـی؛ زیرا تو وارث خاندان عطوفت، رحمت، رأفت و کرامتی(۱) که فرمودید:

«إِنَّا غَیرُ مُهْمِلِینَ لِمُرَاعَاتِکُمْ وَ لَا نَاسِینَ لِذِکْرِکُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِکَ لَنَزَلَ بِکُمُ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَکُمُ الْأَعْدَاءُ»؛(۲)(۳)

«ما شـما را رها نمی کنیم و یادتان را از خاطر نمی بریم که اگر غیر از این بود طوفان حوادث و مشـکلات بر شـما می باریـد و دشمنان، شما را پایمال می کردند».

پس «خـدا کنـد که بیـایی» و خـدا کنـد که ما هم از وسوسه های شـیطان در امان باشـیم، مبـدأ و معاد را بهتر بشناسـیم و چراغ هدایت را از یاد نبریم، باشد که عهدی ببندیم!

رابطه امـام و رهبر، با امّت و اجتماع، یک نوع رابطه متقابل و دو طرفه است؛ یعنی همان طور که اجتماع و جامعه بـدون رهبر و امام منجر به هرج و مرج می شود و امور آنان به سامان نمی رسـد، از امام بدون امّت، و رهبر بدون یاور نیز کاری بر نمی آید؛ هر چند آن رهبر، امام معصوم و برگزیده خدا باشد.

۱- ۴. همان طور که رسول خداصلی الله علیه وآله نسبت به امتش چنین بود: «لَقَدْ جَآءَکُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیهِ ما عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیکُم بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَّحِیمٌ»؛ به یقین، رسولی از خود شـما به سویتان آمـد که رنـج های شـما بر او سـخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است! سوره توبه، آیه ۱۲۸.

۲- ۵.

۳- ۶. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

اگر قرار است امام زمان علیه السلام ظهور کند و اوضاع جهان را سر و سامان بخشد، ظلم و ستم را بر طرف کند، و قسط و عدل را حاکم فرماید، باید گروهی و مردمی باشند تا امام با کمک آنان و یاری و همراهی ایشان به این امور مبادرت ورزد.

گفته نشود که اگر امام، برگزیده و از جانب خداست و دارای معجزه می باشد، پس خود به تنهایی اقدام نماید، چه نیازی به مردم؟(۱)

چون دنیا دار تکلیف و عمل است، و همه امور باید از طریق عادی و اسباب و علل معمول آن انجام گیرد، نه از راه غیر عادی و معجزه، که اگر قرار بر این بود، از همان ابتدا خدا می توانست کاری کند که همه مردم، مؤمن و متقی گردند.(۲)

پس وجود گروهی از مردم و همراهی آنان با وجود نازنین امام زمان علیه السلام برای اقامه قسط و عدل، لازم و ضروری است. این گروه و اصحاب و یاران امام، ویژگی ها و وظایفی دارند که به بخش کوچکی از آن در این جزوه پرداخته می شود.

در اینجا نام و یاد رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره و شهدای گران قدر انقلاب اسلامی و دفاع مقدّس؛ خصوصاً همرزمان شهیدم:(۳) حسن متّحدی، حمید متّحدی، رضا متّحدی، علی متّحدی

ص:۱۲

۱- ۷. همانند آنچه قوم حضرت موسی علیه السلام به ایشان گفتند تو برو به همراه خدایت با کافران جنگ کن، ما هم اینجا هستیم: «قالُوا یا مُوسَی إِنّا لَن نَّدْخُلَها أَبَداً مّا دَامُوا فِیها فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّکَ فَقاتِلَآ إِنّا هاهُنا قاعِدُونَ»؛ سوره مائده، آیه ۲۴.
۲- ۸. وَلَوْ شَآءَ رَبُّکَ لَأَمَنَ مَن فِی الْأَرْضِ کُلُّهُمْ جَمِیعاً...»؛ و اگر پروردگار تو می خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی به {اجبار} ایمان می آوردند؛...». سوره یونس، آیه ۹۹.
۳- ۹. تعدادی از دوستان شهیدم از شهر بسطام.

(اسماعیل)، علی متّحدی (حسینعلی)، علی اکبر متّحدی، و یـد اللّه متّحدی را گرامی داشته، برای سرافرازی نظام جمهوری اسلامی ایران و سلامتی مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّه خامنه ای «حفظه اللّه» دعا می کنیم.

در پایان از مدیریت محترم انتشارات مسجد مقدّس جمکران حجّت الاسلام و المسلمین آقای حسین احمدی قمی که زمینه نشر این اثر را فراهم نمودند و نیز از برادران واحد پژوهش؛ به خصوص حجج اسلام علی تقوی دهکلانی و احمد رضا فیض پور که در تنظیم آن همکاری فرمودند، کمال تشکر را داریم.

والسلام

قم - احمد سعیدی

ص:۱۳

پیش گفتار

در دوران کنونی معمولاً افراد برای به دست گرفتن حکومت و اعمال قـدرت، از تشـکیل حزب و گروه بهره می گیرنـد و برای رسمیت بخشیدن به آن قدرت، از انتخابات و همه پرسی که به عنوان دمکراسی مطرح شده، استفاده می کنند.

لکن در زمان های گذشـته؛ از جمله صـدر اسـلام، این کار به صورت بیعت انجام می شـده است، بیعتی که از کلمه بیع گرفته شـده و تـداعی کننـده نوعی معامله دوطرفه بین مردم و حاکم است. امّا از آنجا که در آن زمان، جمعیت محدودتر بوده و همه تقریباً یکدیگر را می شـناختند، این کار به صورت شـفاهی انجام می شد، به این معنا که شـخصاً حاضـر می شدند و دست می دادنـد و بیعت می کردنـد؛ یعنی بر مواردی تعهد می دادند. این قول و قرارها آن چنان محکم و اسـتوار بود که تا پای جان نیز می ایستادند و از پیمان خود دفاع می کردند.

البته بسیار واضح است که بین رأی دادن و دست بیعت دادن خیلی فرق است؛ همچنان که بین رأی دادن برای انتخاب وکیل و وزیر و رئیس جمهور، با بیعت کردن با جان و مال با حاکم اسلامی نیز فرق بسیار است.

شخص بیعت کننده، با این نیت نیست که امام معصوم را انتخاب و نصب کند؛ بلکه گویا با امام و حاکم اسلامی معامله می کند؛ یعنی وجدان خود را در گرو می گذارد، به این که او را صاحب اختیار خود بداند، فرمان او را فرمان خدا بداند و سپس از او اطاعت کند، سخنش را بشنود و او را یاری کند.

در مقابل این تعهد، امام نیز دست او را می گیرد و به راه راست هدایت نموده، با بیان احکام اسلامی و معارف الهی، او را به قرب خدای متعال می رساند و سعادت دنیا و آخرتش را تضمین می نماید.

نکته مهمی که در همین ابتدای کتاب، ذکر آن قابل توجّه می باشد این است که برای زمان غیبت امام عصرعلیه السلام در هیچ آیه و روایتی نیامده است که کسی یا مقامی یا گروهی به نام و عنوان امام زمان علیه السلام از مردم بیعت بگیرند، چنان که برخی از فرقه ها و گروه های انحرافی، مردم ساده را فریب داده، رئیس و قطب و رکن خود را به عنوان نایب یا باب یا نماینده امام زمان علیه السلام معرفی کرده و از مردم بیعت می گیرند. بلکه برعکس، روایات متعددی داریم که از چنین بیعت هایی نهی فرموده اند.(۱)

ص:۱۵

۱- ۱۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳؛ غیبت نعمانی، ج ۲۹، ص ۱۱۱.

فصل اول: معانی و مراحل بیعت

معانی بیعت

بیعت و مبایعت به معنای هم عهدی و عقد بستن با یکدیگر به کار می رود؛ چنان که در کُتب لغت گفته شده است:

مبایعه همان معاقده و معاهده است که گویی هر کدام از دو طرف بیعت، آنچه که نزدش می باشد را به دیگری واگذار کرده، خود را در اختیار او قرار می دهد.(۱)

بیعت کننده تصمیم قطعی می گیرد و عزم قلبی محکم می کند به این که شخصی را که با وی بیعت نموده، با نثار جان و مال و فرزند، از وی حمایت کند و از هیچ چیزی از آنچه مربوط به او و هست در راه یاری و نصرت وی دریغ ننماید و جان و مال خود را در راه آن شخص نثار کند. آنچه هم که در دعای عهد با امام زمان علیه السلام برای هر روز وارد شده بیعت به همین معناست.(۲)

گاهی بیعت به معنای دست به هم دادن نیز به کار می رود؛ چنان که

۱- ۱۱. مرآه الانوار و مجمع البحرین به نقل از مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۳۱.

۲- ۱۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۳۲.

در بین عرب مرسوم بوده و آیه شریفه ده سوره فتح(۱) بر آن دلالت دارد که از لفظ دست استفاده نموده است؛ علاوه بر این که برای بیعت با پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز اصحاب آن حضرت با دست دادن با ایشان بیعت می کردند.(۲)

البته این دست دادن در حقیقت اظهار آن تصمیم و عزم قلبی است؛ یعنی شخص بیعت کننده با دست دادن به طرف مقابل، او را از آن تصمیم خود آگاه می کند و نیز علامتی است برای نشان دادن بیعت به دیگران و یا اثبات آن در هنگام اختلاف و چنان که قبلاً توضیح داده شد.(۳) چنین بیعتی در زمان غیبت امام عصرعلیه السلام با هیچ کسی جایز نبوده و از آن نهی شده است.

۱- ۱۳. إِنَّ الَّذِينَ يبايعُونَكَ إِنَّما يبايعُونَ اللَّهَ يدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيدِيهِمْ...»؛ کسانی که با تو بیعت می کنند {در حقیقت} تنها با خدا بیعت می نمایند، و دست خدا بالای دست آن هاست.

۲- ۱۴. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۳۲.

۳- ۱۵. در صفحه ۱۵.

بیعت قلبی

اوّلین مرحله بیعت، بیعت قلبی است؛ شبیه آن که مثلاً ـ در خرید و فروش کالاـ ابتدا قصد می کنیم و تصمیم می گیریم که کدام جنس را بفروشیم و فلان جنس دیگری را بخریم، اینجا نیز تصمیم قطعی می گیریم که چه عملی را انجام دهیم؛ مثلاً در قلب و دل خود با وجود مبارک امام زمانمان علیه السلام بیعت می کنیم، او که خلیفه خدا و بقیه اللّه در روی زمین است و آخرین جانشین محمّد مصطفی صلی الله علیه وآله می باشد. وقتی می گوییم آخرین جانشین پیامبر خاتم است؛ یعنی نه تنها با او بیعت می کنیم؛ بلکه با امامان قبل از ایشان و خود رسول خداصلی الله علیه وآله نیز بیعت می کنیم. و متوجه و منتظر این معنا باشیم که هرگاه آن امام غایب از نظر ظهور فرمودند، با جان و دل تحت فرمان حضرتش باشیم و همیشه با همین نیت و توجّه قلبی، شبمان را به روز ببریم و روزمان را به شب سحر کنیم.(۱) و این گونه بیعت کردن نیز جز با پیامبر و امام معصوم، جایز نیست چون بحث جان مطرح است؛ لکن چون پیامبر و امام نسبت به مؤمنان، از خودشان هم سزاوارترند، اشکالی از نظر فقهی و اعتقادی بوجود نخواهد آمد.

البته چنین بیعت و انتظاری، مستلزم این است که در عمل نیز مطابق اوامر و نواهی آن حضرت رفتار نموده، آنچه که خدا و شرع مقدّس از ما خواسته انجام دهیم.

ص:۱۸

۱- ۱۶. البته که همین نیت و خواست قلبی نیز، پاداش و ثوابی جداگانه دارد که فرموده اند نیت شخص مؤمن از عمل او برتر است؛ زیرا انگیزه و مقدمه انجام کار خیر می باشد.

بیعت زبانی

پس از مرحله بیعت قلبی، نوبت به مرحله بیعت زبانی می رسد. بیعت زبانی؛ یعنی همان نیت و بیعت و توجّه قلبی که داشتیم را با زبان نیز ظاهر کنیم و به دیگران هم تعلیم دهیم و آنان را به این امر ترغیب و تشویق نماییم، هر کجا هستیم نام و یاد او را زنده و بزرگ بداریم و هرکجا می رویم به زبان بیاوریم که ما پیرو و شیعه و محبّ آن یار غایب از نظر هستیم، ما تابع فرمان او هستیم که هرگاه ظهور فرمایند و دستوری صادر نمایند، تا سر حدّ جان ایستاده ایم و با جان و مال و فرزندان، تحت فرمان او می باشیم.

یکی از نمودهای بیعت زبانی، خواندن دعای عهد و زیارت صاحب الامر است که مستحب است در هر روز صبح خوانده شود. و نیز سایر زیارات و ذکرهای وارده از جانب معصومین علیهم السلام که در کتب ادعیه وارد شده است.(۱)

بیعت عملی

بیعت عملی یعنی؛ در آمادگی باشیم که هرگاه امام قائم علیه السلام ظهور فرمودند، با تمام هستی خود در خدمت و اختیار آن حضرت باشیم؛ چون او که قرار است حکومت عدل جهانی و اسلام ناب محمّدی را در سراسر گیتی بر قرار سازد، نیاز به یار و یاور دارد، نیاز به افرادی است که دارای ایمان کامل باشند و در آمادگی و انتظار برای فداکاری در راه امام بسر برند.

۱- ۱۷. به خصوص مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی.

در واقع بیعت عملی به معنای عمل کردن به چیزی است که هنگام پیمان و بیعت، تعهد کرده بودیم، در بیع و معامله، فروشنده متعهد شده که جنس را به خریدار تحویل دهد، اینجا نیز بیعت کننده متعهد می شود که هرگاه امام مطالبه جنس را بکند، دریغ نورزد و جنس در این معامله نیز جان و مال بیعت کننده بوده که نباید کوتاهی کند.

معنای دیگر بیعت عملی با امام و یاور پا در رکاب ایشان بودن در زمان غیبت به این است که تمام احکام و اخلاق و آداب اسلامی را در خودمان ظاهر کرده باشیم؛ واجبات و مستحبات را انجام و از محرمات و مکروهات اجتناب کنیم(۱) و در یک کلمه خود را به اعمال صالحه که دستور خدا و قرآن است مزین نماییم؛ چرا که هر جا در قرآن سخن از ایمان به میان آمده، در کنارش عمل صالح نیز ذکر شده است.(۲)

یعنی هم ایمان قلبی لازم است و هم عمل صالح که آن ایمان را در خارج به ظهور و بروز برساند. اگر چنین شد فردی صالح خواهیم شد؛ می توان گفت منتظر واقعی خواهیم بود؛ چون تا کسی صالح نباشد نمی تواند منتظر مصلح باشد. مهدی موعود که به عنوان مصلح جهانی، معرفی و شناخته شده است که می آید و تمام کژی ها و کاستی ها را اصلاح می کند و همه مفاسد را از سر راه بر می دارد؛ لذا کسی که منتظر مصلح است باید خود نیز صالح باشد.

۱- ۱۸. که فقط تعداد اندکی از این واجبات و محرمات در این جزوه ذکر شده و توضیح مختصری پیرامون آن بیان گردیده است.

۲- ۱۹. برخی از آیات مربوطه چنین است: سوره بقره، آیه ۸۳؛ مائده، آیه ۹۳؛ یونس، آیه ۹؛ رعد، آیه ۲۹؛ حجّ، آیه ۱۴؛ تین، آیه ۷؛ بینه، آیه ۷؛ عصر، آیه ۳.

فصل دوم: موارد بیعت در صدر اسلام

موارد بیعت در اسلام

پیشینه بیعت در اسلام چگونه است؟ آیا بیعت کردن در اسلام سابقه دارد؟ چه کسی با چه کسانی بیعت کردند؟ چه زمانی و کجا بیعت کردند؟ از صدر اسلام موارد متعددی پیش آمده که مردم با پیامبر و جانشینان آن حضرت بیعت کردند. برخی بیعت ها اگرچه به نام اسلام و به عنوان جانشینی پیامبر انجام شده ولی مطابق با حقّ نبوده و در جهت مطامع دنیوی و با زور و تزویر بوده است. در این قسمت به برخی از موارد بیعت در صدر اسلام که به حقّ و مورد تأیید می باشد اشاره ای کوتاه خواهیم داشت.

بیعت پیامبر با اصحاب

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله در مواقع متعدد و زمان و مکان مختلفی با یاران و اصحاب و مسلمانان بیعت نمودند که این بیعت ها گاهی فردی و گاهی جمعی، زمانی مخفی و زمانی علنی بوده است. برخی از موارد بیعت مسلمانان با پیامبرصلی الله علیه وآله که از اهمیت بیشتری برخوردار بود از این قرار است:

الف) بیعت عَقَبه

اوّلین بیعت و پیمان اسلامی در عقبه شهر مکه که گردنه ای در منی می باشد بین پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله و دوازده نفر از تازه مسلمانان یثرب بود که در سال دوازدهم بعثت و به دور از چشم قریش و مشرکان و مخفیانه اتفاق افتاد. متن این پیمان به قرار زیر بود:

۱- برای خدا شریک قائل نشویم.

۲- دزدی و زنا نکنیم.

۳- فرزندان خود را نکشیم.

۴- به یکدیگر تهمت نزنیم.

۵- کار زشت انجام ندهیم.

۶- در کارهای نیک نافرمانی نکنیم.(۱)

ب) بیعت عقبه دوم

دومین پیمان و بیعت پیامبر با مسلمانان در شب سیزدهم ماه ذیحجّه سال ۱۳ بعثت واقع شد. در این شب حدود ۷۳ نفر از مسلمانان مدینه در ملاقات با پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله در عقبه ضمن تأکید بر پیمان قبلی، این گونه بیعت کردند که همان طور که از فرزندان و اهل بیت خود دفاع می کنند، از رسول خداصلی الله علیه وآله نیز دفاع نمایند. بیعت آنان به این صورت بود که ابتدا سه نفر از حاضران بلند شدند و با پیامبر دست بیعت دادند، سپس تمام جمعیت به تدریج بیعت کردند.(۲)

۱- ۲۰. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۱۸۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۵۰؛ بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۳۶۹ و ج ۱۹، ص ۱۵.

۲- ۲۱. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۱۸۴؛ بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۳۷۰.

این دو پیمان مخصوص انصار بود که مهاجران در آن شرکت نداشتند.(۱)

ج) بیعت رضوان

سال ششم هجری و در سفر پیامبر و مسلمانان از مدینه به مکه که منجر به صلح حدیبیه شد، قبل از انعقاد صلح، چند نماینده از طرف پیامبر و مشرکان قریش با هم ملاقات کردند. در یک مورد برگشت نماینده مسلمانان که به میان مشرکان رفته بود به تأخیر افتاد و حتی خبر رسید که وی را به قتل رساندند. پیامبر تصمیم گرفت پیمان خود را با مسلمانان تجدید کند؛ لذا در زیر درختی نشست و تمام یاران و اصحابش با او به عنوان بیعت دست دادند و سوگند یاد کردند که تا آخرین نفس از حریم اسلام دفاع کنند. خداوند نیز از این بیعت راضی گشت و این آیه شریفه نازل شد:

«لَقَدْ رَضِیَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِینَ إِذْ یبایعُونَکَ تَحْتَ الشَّجَرَهِ فَعَلِمَ ما فِی قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّکِینَهَ عَلَیهِمْ وَأَثابَهُمْ فَتْحاً قَرِیباً وَمَغانِمَ کَثِیرَهً یأْخُذُونَها وَکانَ اللَّهُ عَزِیزاً حَکِیماً»؛(۲)

خداوند از مؤمنان هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند راضی و خشنود شد؛ خدا آنچه را در درون دل هایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می دانست؛ از این رو آرامش را بر دل هایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی بعنوان پاداش نصیب آن ها فرمود؛ و (همچنین) غنایم بسیاری که آن را به

۱- ۲۲. بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۲۱۷.

۲- ۲۳. سوره فتح، آیات ۱۷ و ۱۸.

دست می آورید؛ و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است!

یعنی نه تنها از این کار پیامبر و مسلمانان راضی بود بلکه به آنان مژده داد که به زودی نیز فتح و پیروزی و غنیمت های فراوان نصیب شما خواهد شد.

و سپس این آیه نازل شد:

«إِنَّ الَّذِینَ یبایعُونَکَ إِنَّما یبایعُونَ اللَّهَ یدُ اللَّهِ فَوْقَ أَیدِیهِمْ فَمَن نَّکَثَ فَإِنَّمَا ینکُثُ عَلَی نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَی بِمَا عاهَدَ عَلَیهُ اللَّهَ فَسَیؤْتِیهِ أَجْراً عَظِیماً»؛(۱)

کسانی که با تو بیعت می کننـد (در حقیقت) تنها با خـدا بیعت می نماینـد، و دست خدا بالای دست آن هاست؛ پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است؛ و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، بزودی پاداش عظیمی به او خواهد داد.

این یک بیعت عمومی و علنی بود که بر خلاف دو بیعت قبلی، هم مهاجران و هم انصار در آن شرکت داشتند.(۲)

د) بیعت النساء

پس از فتح مکه، برای اوّلین بار و به طور رسمی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از زنان بیعت گرفت که به بیعت النساء معروف شد؛ اگرچه در بیعت عقبه دوم هم سه نفر از زنان حاضر بودند.

مفاد این پیمان بنابر آیه شریفه چنین بود:

۱- ۲۴. سوره فتح، آیه ۱۰.

۲- ۲۵. بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۲۱۷.

«یا أَیها النَّبِی إِذَا جَآءَکَ الْمُؤْمِنَتُ یبایعْنَکَ عَلَی أَن لَّا یشْـرِکْنَ بِاللَّهِ شَـیاً وَلَا یسْـرِقْنَ وَلَا یزْنِینَ وَلَا یقْتُلْنَ أَوْلَـدَهُنَّ وَلَا یأْتِینَ بِبُهْتَانٍ یفْتَرِینَهُ بَینَ أَیدِیهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا یعْصِینَکَ فِی مَعْرُوفٍ فَبَایعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ»؛(۱)

ای پیـامبر! هنگـامی که زنان مؤمن نزد تو آینـد و با تو بیعت کننـد که چیزی را شـریک خـدا قرار ندهنـد، دزدی و زنا نکننـد، فرزندان خود را نکشـند، تهمت و افترایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسـته ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آن ها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است!

برای تشـریفات بیعت نیز پیامبرصـلی الله علیه وآله دسـتور داد ظرف آبی آوردنـد و مقـداری آب و عطر در آن ریختند، سـپس پیـامبر دست خـود را در آن آب گـذاشت و آیه فوق را قرائت فرمود؛ سـپس برخـاست و به زنـان فرمود هر که حاضـر است با شرایط فوق بیعت کند، دست در ظرف آب نماید.(۲)

ص:۲۵

۱- ۲۶. سوره ممتحنه، آیه ۱۲.

۲- ۲۷. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۴۵۰؛ بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۹۷.

بیعت با امام علی علیه السلام

برای امیرمؤمنان علیه السلام دو بیعت بسیار بزرگ و مهم واقع شد که برای کسی چنین سابقه نداشت:

الف) اوّلین بیعت با امیر مؤمنان علیه السلام که علنی ترین و بزرگ ترین بیعت در تاریخ صدر اسلام است همان واقعه غدیر می باشد که خداوند متعال با نزول این آیه شریفه:

«یا أَیها الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَیک مِن رَّبِّک وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَاللَّهُ یعْصِمُک مِنَ النّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا یهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ»؛(۱)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر انجام ندهی، رسالت او را انجام نداده ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی کند.

پیامبر را دستور داد که در آخرین حجّ خود و در مجمع عمومی مسلمانان، امامت امیر مؤمنان علیه السلام را اعلان کند و از آنان بیعت بگیرد.

بیعت با امام علی علیه السلام در روز غدیر بسیار با شکوه بود که همه در حضور خدا و رسول خداصلی الله علیه وآله آمدند و با امام و خلیفه اوّل و بلافصل پیامبر دست بیعت دادند؛ حتی زنان نیز با زدن دست خود در ظرف آبی که امام علی علیه السلام دست خود را در آن گذاشته بود، بیعت کردند؛ امّا صد

۱- ۲۸. سورره مائده، آیه ۶۷.

افسوس و هزاران افسوس که بزرگ ترین و مهم ترین بیعت اسلامی، شکسته و به فراموشی گذاشته شد ... .

ب) بیعت دوم مسلمانان با امیر مؤمنان علیه السلام در زمانی به وقوع پیوست که خلیفه سوم مسلمانان بر اثر به ستوه آمدن مردم از ظلم و بی عدالتی حاکمان و والیان وی، توسط عدّه ای کشته شد. اینجا بود که مردم تشنه عدالت، پس از ۲۵ سال گمراهی به خانه امام علی علیه السلام هجوم آوردند و تقاضای بیعت کردند. این بیعت نیز بر خلاف بیعت با سه خلیفه دیگر، بسیار باشکوه و مردمی و با رضایت کامل انجام شد.

بیعت با امام حسن علیه السلام

در سحر روز ۱۹ ماه مبارک رمضان سال چهل هجری قمری که فرق عدل مجسّم، با شمشیر زهر آگین ابن ملجم مرادی ضربت خورد و در بیست و یکم همان ماه امیرمؤمنان علیه السلام به شهادت رسید، با انتقال عِلم امامت و عَلَم هدایت به امام حسن علیه السلام مردم با او بیعت کردند.

بیعت با امام حسین علیه السلام

طبق قرارداد صلح معاویه با امام مجتبی علیه السلام قرار بود تا معاویه زنده است به کار خودش ادامه دهد؛ امّا برای پس از مرگش کاری به خلافت نداشته باشد؛ لذا امام حسین علیه السلام نیز بعد از شهادت امام حسن علیه السلام به صلح برادرش پایبند بود. لکن معاویه که از همان ابتدا پیمان صلح را نقض کرده بود، در اواخر عمر ننگین خود، فرزندش یزید را به عنوان خلیفه

معین و از مردم بیعت گرفت. بنابراین موقعیتی برای امام حسین علیه السلام باقی نماند، تا این که مردم کوفه با ارسال نامه های فراوان، پیشنهاد بیعت و یاری وی را مطرح کردند.

درست است که مردم کوفه مستقیماً با امام حسین علیه السلام بیعت نکردند؛ لکن با سفیر و نماینده ویژه ایشان مسلم بن عقیل بیعت و اعلام وفاداری نمودند و به همین جهت سید الشهداء از مکه به سوی آنان حرکت کرد؛ اگرچه همین مردم نیز به هنگام نیاز، به سبب تطمیع و تهدید و جوّ رعب و وحشتی که توسط عبیداللّٰه بن زیاد درست شده بود، پیمان و بیعت خود را فراموش کردند.

بیعت با سایر امامان علیهم السلام

پس از شهادت امام حسین علیه السلام چون زمینه برای تشکیل حکومت اسلامی و ولایی وجود نداشت، لذا بحث بیعت گرفتن نیز پیش نیامد. و امام سجادعلیه السلام هم معارف اسلامی و اخلاقی را در قالب دعا و زیارت و مناجات به شیعیان منتقل می فرمود. امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز اگر چه هزاران شاگرد و مستمع حدیث داشتند؛ ولی نه همه آنان اهل عمل بودند و نه فرصت گرفتن بیعت عملی پیش آمد. بقیه امامان معصوم و مظلوم شیعه علیهم السلام نیز هر یک به نوعی در حصر و زندان و تبعید بودند؛ امام کاظم علیه السلام از این زندان به آن زندان، امام رضا و امام جوادعلیهما السلام در دارالحکومه عباسی و امامین عسکریین علیهما السلام نیز در پادگان نظامی و در یک زندان بزرگ محصور بودند؛ لذا نسبت به این امامان عزیز، فقط

شیعیان خاص، آن هم به صورت فردی و مخفیانه بحث بیعت پیش آمد.

بیعت با امام زمان علیه السلام

مهدی موعود و امام آخرالزمان علیه السلام که برای تشکیل حکومت جهانی اسلامی ظهور خواهند کرد و این ظهور وعده خداست در قرآن و خداوند از وعده اش تخلّف نخواهد کرد. مهدی زهراعلیهما السلام طبق همان سنّت و سیره پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام و برای مبارزه با ظالمان و گردن کشان و اجرای عدالت، با یاران و اصحاب خود بر سر اصولی بیعت خواهد فرمود.

لذا بر یک مسلمان و یک شیعه واجب است که همیشه بیعت امام زمان را بر گردن داشته باشد.

از جمله دلایل وجوب بیعت با تمام امامان، به خصوص امام زمان علیه السلام، فرمایشی است که در خطبه غدیریه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آمده است، که آن حضرت، مردم را به بیعت کردن با امیر مؤمنان و حسن و حسین و امامان از فرزندان حسین علیهم السلام امر فرموده و عهد و پیمان به اطاعت ایشان را به مردم تلقین کرد که بگویند:

ما شنیدیم و اطاعت نمودیم و راضی و مطیع هستیم به آنچه که از جانب پروردگارت ابلاغ فرمودید در مورد علی و امامان از فرزندان ایشان، پس با دل و جان و زبان و دست، بیعت می کنیم و با همین عقیده

زنده ایم و خواهیم مُرد.(۱)

همچنین این حدیث معروف که بیشتر در کتب اهل سنّت نیز آمده است که امام صادق علیه السلام فرمایش نمودند که رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده اند:

«من مات و لیس علیه امام فمیتته میته جاهلیه»؛

«هر کسی بمیرد در حالی که نسبت به امام مسلمین بیعتی بر گردن او نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است».(۲)

پس اصل بیعت که ایمان نیز جز به آن محقق نمی شود، واجب است؛ چون اصل ایمان همان التزام با دل و زبان، به اطاعت و فرمان پیامبر و امام معصوم، با مال و جان می باشد.

ص:۳۰

---

۱ - ۲۹. احتجاج، ج ۱، ص ۶۶؛ بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۵؛ روضه الواعظین، ج ۱، ص ۹۸؛ العدد القویه، ص ۱۸۰؛ الیقین، ص ۳۵۸؛ مکیال المکارم، ص ۳۳۶.

۲ - ۳۰. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۶؛ صحیح مسلم، ج ۳، ح ۱۴۷۸؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳؛ ربیع الابرار، ج ۴، ص ۲۲۱.

فصل سوم: بیعت در روایات و ادعیه

بیعت با مهدی از نگاه روایات

در این زمینه از هر یک از پیامبر و امامان علیهم السلام روایاتی وارد شده که چند نمونه از آن ها را نقل می کنیم:

الف) از رسول خداصلی الله علیه وآله؛ ایشان در مورد بیعت با امام زمان علیه السلام بیانات متعددی دارند؛ از جمله فرمودند:

۱ - «انّه یبایع بین الرکن و المقام، اسمه احمد و عبداللّٰه و المهدی»؛(۱)

با مهدی علیه السلام بین رکن و مقام بیعت می شود، اسم او احمد و عبداللّٰه و مهدی است.

۲ - «یبایع المهدی بین الرکن و المقام، لایوقظ نائماً و لایهریق دماً»؛

«با مهدی بین رکن و مقام بیعت می شود، نه خوابیده ای بیدار می شود، و نه خونی ریخته می شود».

۱- ۳۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۵۴؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰؛ الخرائج، ج ۲، ص ۱۱۴۹؛ منتخب الانوار، ص ۲۵.

۳ - «یا علی! لو لم یبق من الـدنیا الا یوم واحـد لطول اللّه ذلک الیوم حتی یملک رجل من عترتک یقال له المهـدی، یهدی الی اللّه عزّ و جلّ و یهتدی به العرب کما هدیت انت الکفار و المشرکین من الظلاله. ثم قال: و مکتوب علی راحته: بایعوه بان البیعه للّه عزّوجلّ»؛(۱)

ای علی! اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانـده باشـد خداوند آن یک روز را آنقدر طولانی می گرداند تا آن که مردی از عترت تو را مالک آن کنـد؛ به او مهـدی گفته می شود، به سوی خـدا هـدایت می کنـد و عرب به وسـیله او هـدایت می شود؛ همان طور که تو کافران و مشـرکان را از تاریکی و گمراهی هـدایت کردی. آن گاه فرمود: در پیش روی او نوشـته شـده با او بیعت کنید که همانا بیعت با او از آن خداست.

۴ - این حدیث را راویان زیادی نقل کردند که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمودند: بر روی پرچم مهدی نوشته شده: «البیعه للّه»؛(۲) یعنی بیعت با او، بیعت با خدا و برای خداست.

همان طور که در بیعت مردم با رسول خداصلی الله علیه وآله نیز آیه شریفه فرمود که بیعت شما بیعت با خدا بوده است.(۳)

ب) امام علی علیه السلام نیز در موارد متعددی به مسئله بیعت با ولی

۱- ۳۲. دلائل الامامه، ص ۲۵۰؛ حقیقه الاعتقاد بالامام المهدی، ص ۲۰۴.

۲- ۳۳. احقاق الحق، ج ۲۹، ص ۳۶۱.

۳- ۳۴. سوره فتـح، آیه ۱۰: «إِنَّ الَّذِینَ یبایعُونَـکَ إِنَّمـا یبایعُونَ اللَّهَ یـدُ اللَّهِ فَوْقَ أَیـدِیهِمْ فَمَن نَّکَثَ فَإِنَّمَا ینکُثُ عَلَی نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَی بِمَا عاهَدَ عَلَیهُ اللَّهَ فَسَیؤْتِیهِ أَجْراً عَظِیماً».

عصرعلیه السلام پرداخته اند؛ به خصوص در حدیث مفصلی که موضوع اصلی این کتاب را ترتیب داده است که در جای خود می آوریم.

ج) امام باقرعلیه السلام در این زمینه فرمودند:

«یبایع القائم بمکّه علی کتاب اللّه و سنه رسوله، و یستعمل علی مکه ثمّ یسیر نحو المدینه ....».(۱)

با امام زمان و قائم آل محمّدعلیهم السلام در مکه بیعت می شود که طبق احکام قرآن و سنت پیامبرش عمل نمایند، آن گاه حاکمی را در مکه می گمارد و به سمت مدینه حرکت می کند.

در مورد بیعت با امام زمان علیه السلام روایات متعدد دیگری از امام باقرعلیه السلام نقل شده که می توان به کتب مربوطه مراجعه کرد.(۲)

د) مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند:

«هنگامی که خداوند اذن ظهور بفرماید، حضرت قائم علیه السلام به منبر می رود و مردم را به طرف خود می خواند. در این موقع جبرئیل نیز نازل می شود و از حضرت پیرامون دعوتش می پرسد و جواب می شنود؛ آن گاه جبرئیل می گوید: أنأ أول من یبایعک، ابسط یدک. من اوّلین کسی هستم که با تو بیعت می کنم، دستت را دراز کن. پس جبرئیل دست او را مسح می کند و حدود ۳۱۳ نفر نیز با آن حضرت بیعت می کنند. این افراد در مکه می مانند تا تعداد اصحاب به ده ها هزار می رسد؛

۱- ۳۵. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۵۳؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۸.
۲- ۳۶. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۲؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۳.

آن گاه به طرف مدینه حرکت می کنند.(۱)

بنابر آنچه گفته شد در ابتدا چند گروه با امام بیعت خواهند کرد:

اوّل جبرئیل امین است.

آن گاه اصحاب خاص امام، که ۳۱۳ نفر می باشند.

بعد اصحاب عام آن حضرت که هزاران نفر هستند و از شهرهای دیگر به گرد ایشان جمع می شوند.

و سپس سایر مردمی که در مکه بوده و به ایشان ایمان می آورند.

۱- ۳۷. ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ معجم احادیث المهدی، علی کورانی، ج ۳، ص ۴۹۲؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۸۳؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۳؛ الزام الناصب، ص ۲۴۵؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۸.

تجدید و تحکیم بیعت در ادعیه

هر شیعه مخلص و یاور امام زمان علیه السلام با آن حضرت بیعت و پیمان دارد که در سراسر زندگی، احکام و فرامین اسلامی را رعایت نموده، عملاً منتظر ظهور قائم آل محمّدعلیهم السلام باشد و این عهد و پیمان را در هر روز و ساعت تجدید کند.

همان طور که گفتیم، اصل بیعت واجب است؛ امّا تجدید و تحکیم آن نیز خصوصاً در روز جمعه مستحب است؛ به جهت این که اولاً این روز به نام مبارک آن امام می باشد و ثانیاً هر کار نیکی در این روز، ثواب و پاداش مضاعف دارد.

بنابراین خوب است در هر روز صبح با دعای عهد، این بیعت را تحکیم کنیم.

دعای عهد از دعاهای ارزشمند وجود مبارک امام صادق علیه السلام است که علاوه بر آموزه های والایش، اهم وظایف نیایشی منتظران مهدی موجود موعودعلیه السلام را در بر دارد. معارف توحیدی، لزوم ارتباط دائم با امام عصرعلیه السلام استقامت و استمرار در دفاع از آن حضرت، معرفی رئوس برنامه های حکومت امام عصرعلیه السلام و مانند آن ها، از معارف والایی است که این دعای نورانی به ما می آموزاند.

در اوّلین فقرات این دعای نورانی، دعا کننده با زمزمه کلمات توحیدی، خداوند را می ستاید و به ربوبیت او اقرار می کند و فرستادن رسل و انزال کتب و تشریع ادیان الهی را از جلوه های ربوبی او برمی شمرد. آن گاه با توسل به عظمت اسمای الهی و سرمدیت ذات

باری از وی می خواهد تا درود و صلواتش را به پیشگاه امام قائم به امر خداوند سبحان، ابلاغ فرماید. این مطلع مبارک بیانگر اتصال مقام امامت به توحید و نیز طریق منحصر معرفت امام و ارتباط با مقام منیع اوست؛ زیرا تا کسی توحید را درنیابد و به ربوبیت خدای بزرگ ایمان نیاورد، به معرفت امام و ارتباط با او بار نمی یابد.

در فقرات بعدی، داعی منتظر، عهدی را با امام خویش می بندد و با شاهد گرفتن خدای سبحان برآن تأکید می کند که بر اساس آن همواره در هر زمانی و مکانی از یاران امام عصرعلیه السلام باشد و در دفاع از او از هیچ کوششی دریغ نورزد و در اجرای منویات امام عصرعلیه السلام به سرعت روی آورد و جان خویش را در این مسیر بذل کند. سپس از خدای بزرگ، زیارت آن مَظهر جمال و جلال الهی را خواسته و با بیان سبب فساد عالم که همانا تباهی انسان است، عاجزانه از درگاه خداوند، ظهور حجّت خدا را خواستار می شود.

این فقرات که بازگو کننده احوال درونی منتظران راستین آن حضرت است، جنبه هایی دیگر از ابعاد انتظار حقیقی را به منتظران آموخته و حیات جامعه را مرهون ظهور فرخنده آثار امام زمان علیه السلام می داند.فقرات پایانی این دعای مبارک نیز ناظر به برنامه های حکومت آن حضرت است و دعاگونه به بیان اموری می پردازد که آخرین حجّت خدا، هنگام ظهور به آن ها خواهد پرداخت.(۱)

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که هرکه چهل صباح این عهد را

ص:۳۶

۱- ۳۸. امام مهدی موجود موعود، آیه اللَّه جوادی آملی، ص ۲۱۸.

بخوانـد از یاوران قائم ما باشـد و اگر پیش از ظهور آن حضـرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضـرت باشد و حقّ تعالی به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد این است:

اَللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِیمِ، وَرَبَّ الْکُرْسِی الرَّفِیعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلَ التَّوْراهِ وَالاِنْجِیلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ [الْفُرْقـانِ الْعَظِیـم، وَرَبَ الْمَلآـئِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ وَالْأَنْبیـآءِ وَالْمُرْسَـلِینَ. اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْـئَلُکَ بِوَجْهِـکَ [باسْـمِکَ]الْکَرِیمِ، وَبِنُورِ وَجْهِکَ الْمُنِیرِ، وَمُلْکِکَ الْقَدِیمِ، یا حَی یا قَیومُ، أَسْـئَلُکَ باسْـمِکَ الَّذِی أَشْرَقَتْ بِهِ السَّماواتُ وَالْأَرَضُونَ، وَباسْمِکَ الَّذِی یصْلَحُ بِهِ الْـأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، یا حَیاً قَبْلَ کُلِّ حَی، وَیا حَیاً بَعْـدَ کُلِّ حَی، وَیا حَیاً حِینَ لاحَی، یا مُحْیی الْمَوْتی وَمُمِیتَ الْأَحْیآءِ، یا حَی لا إِلهَ إِلّـا أَنْتَ. اَللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلانَـا الْإِمامَ الْهادِی الْمَهْـدِی، الْقآئِمَ بِأَمْرِکَ، صَـلَواتُ اللَّهِ عَلَیهِ وَعَلی آبآئِهِ الطّاهِرِینَ، عَنْ جَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنـاتِ، فِی مَشـارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها، سَـهْلِها وَجَبَلِها، وَبَرِّها وَبَحْرِها، وَعَنِّی وَعَنْ وَالِـدَی مِنَ الصَّلَواتِ زِنَهَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِـدادَ کَلِمـاتِهِ، وَما أَحْصاهُ عِلْمُهُ [کِتابُهُ ، وَأَحاطَ بِهِ کِتابُهُ [عِلْمُهُ . اَللَّهُمَّ إِنِّی أُجَـدِّدُ لَهُ فِی صَبِیحَهِ یوْمِی هـذا، وَما عِشْتُ مِنْ أَیامِی عَهْـداً وَعَقْـداً وَبَیعَهً لَهُ فِی عُنُقِی، لاـ أَحُولُ عَنْهـا وَلاـ أَزُولُ أَبَـداً. اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ أَنْصـارِهِ وَأَعْوانِهِ وَالـذّآبِّینَ عَنْهُ، وَالْمُسارِعِینَ إِلَیهِ فِی قَضآءِ حَوآئِجِهِ، وَالْمُمْتَثِلِینَ لِأَوامِرِهِ، وَالْمُحامِینَ عَنْهُ، وَالسّابِقِینَ إِلی إِرادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهَدِینَ بَینَ یدَیهِ.

اَللَّهُمَّ إِنْ حالَ بَینِی وَبَینَهُ الْمَوْتُ الَّذِی جَعَلْتَهُ عَلی عِبادِکَ حَتْماً مَقْضِیاً، فَأَخْرِجْنِی مِنْ قَبْرِی مُؤْتَزِراً کَفَنِی، شاهِراً سَیفِی، مُجَرِّداً قَناتِی، مُلَبِّیاً دَعْوَهَ الدّاعِی فِی الْحاضِرِ وَالْبادِی. اَللَّهُمَّ أَرِنِی الطَّلْعَهَ الرَّشِیدَهَ، وَالْغُرَّهَ الْحَمِیدَهَ، وَاکْحُلْ ناظِرِی بِنَظْرَهٍ مِنِّی إِلَیهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مَنْهَجَهُ، وَاسْلُکْ بِی مَحَجَّتَهُ، وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَاشْدُدْ أَزْرَهُ، وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلادَکَ، وَأَحْیِ بِهِ عِبادَکَ، فَإِنَّکَ قُلْتَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ: ظَهَرَ الْفَسادُ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ أَیدِی النّاسِ، فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَناوَلِیکَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِیکَ الْمُسَمّی بِاسْمِ رَسُولِکَ، حَتّی لا یظْفَرَ بِشَی ءٍ مِنَ الْباطِلِ إِلّا مَزَّقَهُ،وَیحِقَّ الْحَقَّ وَیحَقِّقَهُ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْزَعاً لِمَظْلُومِ عِبادِکَ، وَناصِراً لِمَنْ لا یجِدُ لَهُ ناصِراً غَیرَکَ، وَمُجَدِّداً لِما عُطِّلَ مِنْ أَحْکامِ کِتابِکَ، وَمُشَیداً لِما وَرَدَ مِنْ أَعْلامِ دِینِکَ، وَسُنَنِ نَبِیکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِینَ. اَللَّهُمَ وَسُرَّ نَبِیکَ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیهِ وَآلِهِ بِرُؤْیتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلی دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِکانَتَنا بَعْدَهُ. اَللَّهُمَّ اکْشِفْ هذِهِ الْغُمَّهَ عَنْ هذِهِ الْأُمَّهِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ یرَوْنَهُ بَعِیداً وَنَراهُ قَرِیباً، بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمِینَ پس سه مرتبه دست بر ران راست خود می زنی و در هر مرتبه می گویی: اَلْعَجَلَ الْعَجَلَ یا مَوْلای یا صاحِبَ الزَّمانِ»(۱)

«خدایا! ای پروردگار نور بزرگ، و پروردگار کرسی بلند، و پروردگار دریای جوشان، و فرو فرستنده تورات و انجیل

ص:۳۸

۱- ۳۹. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۵؛ البلد الامین، ص ۸۴؛ مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، دعای عهد.

و زبور، و پروردگار سایه و آفتاب داغ، و فرو فرستنده قرآن بزرگ، و پروردگار فرشتگان مقرّب و پیامبران و مرسلین، خدایا! از تو می خواهم به ذات بزرگوارت و به نور جمال تابانت و فرمانروایی دیرینه ات، ای زنده پاینده! از تو می خواهم بدان نامت که روشن شد بدان آسمان ها و زمین ها، و بدان نامت که پیشینیان و پسینیان، بدان شایسته گشتند، ای زنده پیش از هر موجودی و ای زنده پس از هر موجود زنده ای و ای زنده در آن هنگام که زنده ای وجود نداشت، ای زنده کننده مردگان، و ای میراننده مردگان، ای زنده ای که معبودی جز تو نیست، خدایا برسان به مولایمان آن امام راهنمای راه یافته و قیام کننده به فرمان تو، (که درودهای خدا بر او و پدران پاکش باد) از طرف همه مردان و زنان با ایمان، در شرق و غرب عالم، در دشت و کوه آن، در خشکی و دریای آن، از طرف من و پدر و مادرم، درودهایی هم وزن عرش خدا و شماره کلمات و سخنان او و آنچه را دانشش احصاء کرده و کتاب و دفترش بدان احاطه دارد. خدایا من تازه می کنم در بامداد این روز و تا هر روزی که زندگی کنم از روزهای دیگر عهد و پیمان و بیعتی برای آن حضرت در گردنم که هرگز از آن سرنپیچم و از آن دست نکشم. خدایا قرار ده مرا از یاران و کمک کارانش و دفاع کنندگان از او و شتابندگان به سوی او، در برآوردن خواسته هایش و انجام دستورات و اوامرش و مدافعین از آن حضرت و پیشی گیرندگان

ص:۳۹

به سوی اراده اش و شهادت یافتگان پیش رویش. خدایا اگر حایل شد میان من و او آن مرگی که بر بندگانت حتمی قرار داده ای، پس بیرون بیاور مرا از گورم در حالی که کفن به خود پیچیده، با شمشیر آخته و نیزه برهنه، پاسخ گویان به ندای آن خواننده بزرگوار در شهر و بادیه. خدایا بنمایان به من آن جمال ارجمند و آن پیشانی نورانی پسندیده را و سرمه وصال دیدارش را به یک نگاه به دیده ام بِکَش و شتاب کن در ظهورش و آسان بگردان خروجش را و وسیع گردان راهش را و مرا به راه او در آور و دستورش را نافذ گردان و پشتش را محکم کن. خدایا! به دست او شهرها و بلادت را آباد گردان و بندگانت را زنده گردان، زیرا تو خود فرمودی و گفته ات نیز حقّ است: «آشکار شد تبهکاری در خشکی و دریا به جهت کرده های مردم»؛ پس آشکار کن خدایا برای ما نماینده ات را و فرزند دختر پیامبرت که همنام رسول توست تا دست نیابد به هیچ باطلی جز این که آن را از هم بدراند و پابرجا کند حقّ را و ثابت نماید آن را. خدایا! آن بزرگوار را پناهگاه ستم دیدگان از بندگانت قرار ده و یاور کسی که جز تو یاوری برایش نیست و تازه کننده احکامی از کتابت که تعطیل مانده و محکم کننده آنچه از نشانه های دین و آیینت و سنت های پیامبرت که درود خدا بر او و آلش باد. خدایا! قرار بده او را از کسانی که از حمله زورگویان نگاهش داشته ای، خدایا! شاد گردان به دیدارش، دل پیامبرت محمّد که

درود خدا بر او و آلش باد، و همچنین هرکه در دعوتش از آن حضرت پیروی کرده و رحم کن به بیچارگی ما پس از آن حضرت. خدایا بگشا این اندوه را از این امّت با حضور امام زمان و شتاب کن برای ما در ظهور آن جناب که دشمنان آن را دور پندارند ولی ما نزدیک می بینیم، به حقّ مهر و رحمت تو ای مهربان ترین مهربانان!

همچنین است تجدید عهدی دیگر که در زیارت امام زمان علیه السلام آمده که اوّل آن چنین است: «اللهم بلغ مولای صاحب الزمان...». و خواندن آن طبق روایتی که از امام صادق علیه السلام رسیده در هر روز بعد از هر نماز واجب یا بعد از نماز صبح تأکید شده و در قسمتی از آن آمده است:

«اَللَّهُمَّ إِنِّی أُجَدِّدُ لَهُ فِی هذَا الْیوْمِ وَفِی کُلِّ یوْمٍ عَهْداً وَعَقْداً وَبَیعَةً فِی رَقَبَتِی»؛(۱)

خدایا من تجدید و تأکید می کنم در این روز و در هر روز برای آن جناب عهد و پیمان و بیعتی را در گردنم.

مؤلف بحارالانوار مرحوم علّامه مجلسی نقل کرده که در برخی از کتب قدیمه دیده ام که بعد از این دعا دست راست خود را بر دست چپ بزند مثل دست دادن در بیعت.(۲)

۱- ۴۰. مفاتیح الجنان، زیارت صاحب الامرعلیه السلام، بعد از دعای ندبه.

۲- ۴۱. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۰؛ مکیال المکارم، ص ۳۳۶.

فصل چهارم: اصحاب و یاران امام زمان علیه السلام

اصحاب امام زمان

یاران و اصحاب امام زمان علیه السلام بر دو دسته اند:

اصحاب خاص و اصحاب عام؛

اصحاب خاص که تعدادشان ۳۱۳ نفر است(۱) دارای ویژگی های خاصی هستند؛ از جمله این که:

دارای ایمانی قوی، اخلاص بالا، قدرت و شجاعت زیاد، و بیشتر جوان، و پر استقامت و پایدار هستند، زاهدان شب، قهرمان و جان نثار روز هستند، آرزوی شهادت دارند، در اوّلین فرصت و لحظه ظهور و به سرعت به گرد حضرت جمع می شوند و اعلان وفاداری می کنند، به جهت شایستگی که دارند، می توانند از کارگزاران و فرماندهان بزرگ امام باشند.(۲)

امّا اصحاب عام امام؛ یعنی یاوران ایشان، در درجه بعدی از اصحاب خاص قرار دارند، تعدادشان بیشتر است، در حلقه های بعدی از

۱- ۴۲. در برخی از روایات تقریباً نام اکثر آنان و نام شهرهای ایشان بیان شده است.

۲ - ۴۳. آنچه که ذکر شد، بیان خلاصه ای از ویژگی های یاران امام زمان علیه السلام است که در احادیث فراوانی از معصومین علیهم السلام به آن اشاره شده است و خواننده مشتاق می تواند به کتب مربوطه مراجعه نماید.

حضور و بیعت هستند؛ اینان نیز مؤمنان صالحی هستند که در مکه و غیر آن به حضور مولایشان امام زمان علیه السلام می رسند و در زیر پرچم آن حضرت با دشمنان می جنگند.

وظایف و تکالیف

بعضی از وظایف یک مسلمان و منتظر ظهور امام عصرعلیه السلام علاوه بر آنچه که باید به احکام اسلامی عمل نماید و از منکرات و گناهان اجتناب کند، بدین شرح می باشد:(۱)

۱ . معرفت و شناخت امام زمان علیه السلام؛

۲ .آشنایی با صفات و ویژگی های ایشان؛

۳ . دوستی و محبت ویژه با آن حضرت؛

۴ . محبوب نمودن ایشان در بین مردم؛

۵ . بیان مناقب و فضایل آن بزرگوار؛

۶ . حضور در مجالس ذکر مناقب و فضایل ایشان؛

۷ . ایمان به حتمی بودن ظهور مهدی علیه السلام؛

۸ . دعا کردن برای سلامتی امام؛

۹ . انتظار فرج ایشان را داشتن؛

۱۰ . تسلیم بودن به وقت ظهور؛

۱۱ . رعایت ادب نسبت به نام و یاد امام؛

---

۱ – ۴۴. برخی از کتابهایی که می توانید در این زمینه به زبان فارسی مطالعه بفرمایید: مکیال المکارم، نجم الثاقب، سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، وظایف منتظران، گفتمان مهدویت، بامداد بشریت، کمال الدّین، عبقری الحسان... .

۱۲ . زیاد دعا کردن برای فرج؛

۱۳ . تمسّک به ولایت امام غایب؛

۱۴ . صبوری و تمسک به دین حقّ در فتنه ها؛

۱۵ . مقابله با شبهات و اشکالات؛

۱۶ . تجدید بیعت و استقامت بر اطاعت؛

۱۷ . کمک و یاری برادران مؤمن؛

۱۸ . صدقه دادن به نیابت و برای سلامتی امام؛

۱۹ . انجام اعمال عبادی به نیابت از ایشان؛ از جمله زیارت و حجّ و نماز و قرائت قرآن و توسل و غیرهٔ؛

۲۰ . بزرگداشت اماکن و ایامی که به نام و یاد آن حضرت می باشد؛

۲۱ . اظهار اشتیاق دیدار آن بزرگوار؛

۲۲ . اهتمام و تصمیم قلبی بر یاری رساندن آن حضرت؛

۲۳ . تجدید بیعت همیشگی و همه روزه به خصوص در روز جمعه؛

۲۴ . قرائت دعاها و زیارات مربوطه: دعای سلامتی امام، دعای فرج، دعای اللّهم عرّفنی، دعای غریق، دعای عهد... .(۱)

۱- ۴۵. کتاب های ادعیه و زیارت از جمله مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی.

فصل پنجم: بیعت نامه یاران مهدی علیه السلام

بیعت نامه یاران مهدی با آن حضرت

وجود نجات بخشی که همه ادیان الهی وعده داده اند و ظهور آن منجی و امامی که همه انسان های آزادی خواه و عدالت طلب جهان در انتظار اویند، قانون حتمی خداوندی است.(۱)

او در زمانی خواهد آمد که همه از ظلم و ستم ظالمان به فغان آمده باشند و امید به هیچ کسی و هیچ جایی نداشته باشند.

او خواهد آمد و به کمک یاران خود، بساط ظلم و ستم را برمی چیند.

لکن برچیدن ظلم و فساد نیز به این سادگی نبوده؛ بلکه به جهاد و مبارزه سخت و بی امان و کشتن و کشته شدن نیاز دارد؛ لذا آنان که انتظار مهدی موعودعلیه السلام را می کشند، آنان که مشتاق یاری امام زمان علیه السلام هستند، آنان که خواهان همراهی قائم آل محمّدعلیهم السلام هستند، آنان که می خواهند همانند عهد جاهلیت نمیرند، باید از هر لحاظ آماده باشند، خود را برای یک مبارزه سخت و پیگیر مهیا نمایند. چون یاران آن

ص:۴۵

۱- ۴۶. وَنُرِیدُ أَن نَّمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهًوَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ»؛ سوره قصص، آیه ۵.

دادگستر جهان باید دارای چنان ویژگی هایی باشند که تاب استقامت و پایداری در جهاد را داشته باشند.

به همین جهت است که وقتی حضرت ظهور می کننـد، بـا یـاران خود بر اصولی بیعت می نماینـد؛ یعنی علاوه بر رعایت تمام احکـام الهی، از واجبـات و محرمات که بر عهـده هر مسـلمانی است، بایـد به مواردی که در زنـدگی اجتماعی اهمیت بیشتری دارد نیز عنایت خاصی بشود.

ان شاء اللّه برخی از بنـدهای بیعت نامه یاران مهـدی علیه السـلام که از کلام امیرمؤمنان علیه السـلام نقل شده است، را در این جزوه توضیح خواهیم داد:

سند بیعت نامه

مرحوم سـید بن طـاووس که از علمای بزرگ شـیعه بوده، و به زیارت وجود مقـدّس امام زمان علیه السـلام نیز مشـرّف شـده و تألیفات متعـدد و گرانسـنگی از او به جا مانده است، در کتاب «الملاحم و الفتن» خود به نقل از کتاب «الفتن» ابو صالح سـلیلی می نویسـد: حسن بن علی مالکی از ابونصـر علی بن حمیـد رافعی چنین حدیث کرده که محمّد بن هیثم بصـری از سـلیمان بن عثمان نخعی، از سعید بن طارق، از سلمه بن أنس و او از أصبغ بن نباته حدیث کردند:

روزی امیر مؤمنان علیه السـلام مشـغول خطبه بودند که ذکری از مهدی علیه السـلام و یاران ایشان و نام های آنان فرمودند. ابو خالد حلبی (و شاید ابو خالد کابلی) به امام عرض کرد: ای امیرمؤمنان! ایشان را برای ما توصیف فرما.

ص:۴۶

امام علی علیه السلام فرمود:

«آگاه باشید که او شبیه ترین مردم به رسول خداصلی الله علیه وآله است، از جهت آفرینش و اخلاق و زیبایی! آیا می خواهید یاران او و تعدادشان را برایتان بیان کنم؟»

عرض کردیم: بفرمایید، ای امیرمؤمنان!

حضرت نیز از فرمایش پیامبر خداصلی الله علیه وآله و این که از آن حضرت شنیدم، ابتدا در مورد تعداد یاران مهدی علیه السلام و این که هر کدام از چه شهری هستند و از هر شهری چند نفر هستند مفصّل بیان فرمود، تا این که به ۳۱۳ نفر رسیدند.

آن گاه به بیان ویژگی یاران امام زمان علیه السلام پرداخته، ایشان را چنین وصف کردند:

«گویا آنان را می بینم که قیافه و ظاهری همانند دارند، قد و اندازه یکی، جمال و زیبایی یکی، با پوششی واحد، مثل این که گمشده ای دارند که دنبال آن می گردند؛ همچنان حیران و سرگردان و متفکر هستند که مردی از پشت کعبه به سوی ایشان می آید که از نظر خلقت و اخلاق و زیبایی، شبیه ترین فرد به رسول خداست.

این گروه به وی می گویند: آیا تو مهدی هستی؟

اینجاست که حضرت ظهور خود را اعلان می کنند و می فرمایند:

«آری منم مهدی»!

ص:۴۷

سپس به ایشان می فرماید:

بر چهل ویژگی و خصلت با من بیعت کنید، من هم ده شرط به شما می سپارم».

احنف می گوید که به امام علی علیه السلام عرض کردم: ای مولای من! آن چهل خصلت چیست؟

امیرمؤمنان علیه السلام شروع به شمارش و بیان بندهای تعهدنامه کرده و چنین فرمودند:

متن بیعت نامه

«یبـایعون عَلی ألا یسرقوا، و لا یزنوا، و لا یقتُلوا، و لا یهتِکوا حریماً محرماً، و لا یسبُّوا مُسلماً، و لا یهجمُوا مَنزلاً، و لا یضرِبوا أحَداً الاّ بِالحقّ، و لا یرکبُوا الخَیل الهمالیج، و لا یتمنطقُوا بِالذَّهب، و لا یلْبِسوا الخَزّ، و لا یلبسُوا الحَریر، و لا یلبسوا النِّعالَ الصِّراره، و لا یخربُوا مَسجداً، و لا یقطَعوا طَریقاً، و لا یظلِمُوا یتِیماً، و لا یخِیفوا سَبیلاً، و لا یحْتَسبُوا مَکراً، و لا یأکُلوا مالَ الیتیم، و لا یفْسقُوا بِغُلام، و لا یشربُوا الخَمرَ، و لا یخُونُوا أمانَةً، و لا یخلُفُوا العَهْدَ، و لا یحْبِسُوا طَعاماً مِنْ بُرٍّ أوْ شَعِیرٍ، و لا یقْتُلوا مُسْتأمِناً، و لا یتبِعُوا مُنْهَزماً، و لا یسْفِکُوا دَماً، و لا یجَهّزوا عَلی جَریحٍ، و یلبِسُونَ الخَشِنَ مِنَ الثِّیابِ، و یوَسِّدوُن التُّرابَ عَلَی الخُدُودِ و یأکُلونَ الشَّعِیرَ، و یرضونَ بِالقَلِیلِ، و یجاهِدُونَ فِی اللَّهِ حَقّ جهادِهِ،

ص:۴۸

و يشمُّونَ الطَّيبَ، و يكْرَهُونَ النَّجاسَهَ ...»؛(۱)

این گونه یاران امام مهدی علیه السلام با ایشان بیعت می کنند:

دزدی و سرقت نکنند، مرتکب زنا نشوند، کسی را نکشند، حریم شخص محترمی را هتک نکنند، مسلمانی را سبّ و دشنام ندهند، به منزلی هجوم نبرند، کسی را جز به حقّ کتک نزنند، بر اسب و حیوانات ضعیف سوار نشوند، خود را به طلا نیارایند، لباس خز نپوشند، حریر نیز نپوشند، کفش باصدا به پا نکنند، مسجدی را خراب نکنند، راه را بر کسی نبندند، به یتیم ظلم نکنند، راه ها را نا امن نکنند، مکر و حیله ننمایند، مال یتیم را به ناحقّ نخورند، با پسربچه فساد نکنند، شراب نخورند، در امانت خیانت نکنند، در عهد و پیمان تخلف نکنند، طعامی را احتکار نکنند، چه گندم یا جو، کسی را که به پناه آمده نکشند، شکست خورده و فراری را دنبال نکنند، به خون ریزی نپردازند و خونی را به ناحقّ نریزند، بر مجروح حمله نکنند، لباس خشن بپوشند، خاک را متکای خود قرار دهند، غذای خود را نان جو قرار بدهند، به کم راضی و قانع باشند، در راه خدا آنطور که شایسته است جهاد کنند، بوی خوش استعمال کنند، از نجاست و پلیدی اجتناب نمایند ...».

۱- ۴۷. الملاحم و الفتن، سید بن طاووس، ص ۱۵۴؛ جامع احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۱۵۵؛ منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۳.

شرح و توضیح مواد بیعت نامه

اگرچه کلام و بیان پیامبر و امام معصوم علیهم السلام نور است و موجب احیای قلوب دل مردگان می باشد و خود شنیدن و خواندن و دیدن آن هم مؤثر و احیاگر است؛ لکن چون اغلب مخاطبان این جزوه با زبان عربی آشنایی لازم را ندارند، بهتر دیدیم در این قسمت به شرح و توضیح مختصر هر کدام از موارد این بیعت نامه بپردازیم.

البته با نگاهی اجمالی به بندهای بیعت نامه معلوم می شود که بیشتر مواد آن را معاصی و منکرات تشکیل می دهد؛ یعنی این کار را نکنند، آن کار را نکنند؛ شاید مراد این باشد که هر فردی اگر از گناه و معصیت دور باشد و قلب خود را صاف نماید، دلش خود به خود برای جلب و جذب نور و ایمان و رحمت پروردگار آماده می شود و زحمت چندانی نخواهد داشت؛ چون آنچه که قلب انسان را تاریک و او را از خداند متعال دور می کند، گناه است.

به هر حال سعی می شود در این جزوه، چنانچه به آیه قرآن و حدیثی در مورد مطالب عهدنامه دست یابیم، فقط برخی از آن ها را آدرس و یا تذکّر دهیم و مطالعه مفصل و همه جانبه آن را به کتاب های مرجع که از بزرگان دین به ما ارث رسیده، ارجاع دهیم.

ص:۵۰

دزدی نکردن

«یبایعون عَلی ألا یسرقوا»

یاران امام زمان علیه السلام با آن حضرت بیعت می کنند که سرقت و دزدی نکنند. زیرا اموال هر کسی برای خودش محترم بوده، کسی حقّ تعرض به آن را ندارد. حرمت و احترام مال دیگران؛ چه مسلمان و چه غیر مسلمان، در دین اسلام به حدی است که رعایت آن در این بیعت نامه به عنوان اوّلین بند آن گوشزد شده و بر آن تعهد گرفته شده است.

همان طور که خود انسان محترم است، هر چه را هم که مربوط به او می باشد نیز محترم است؛ از آبرو، ناموس و مال و غیره؛ به گونه ای که در حدیث وارد شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرموده است:

«مَنْ قُتِلَ دُونَ مالِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَهِ الشَّهِیدِ»؛(۱)

«هر که در راه حفظ مال خود کشته شود بمانند شهید است».

البته در ادامه نیز فرموده اند که اگر من باشم آن را رها می کنم.

اگر جامعه ای می خواهد جامعه مهدوی باشد، باید همه انواع دزدی و مال مردم خوری به ناحقّ برچیده شود؛ دزدی تنها به این نیست که فردی از دیوار کسی بالا برود، یا مخفیانه مال کسی را بردارد، یا کیف دیگری را بِرُباید؛ بلکه آن کسی هم که به زور و تزویر از کسی ربا می گیرد دزد است؛ کسی که با مکر و حیله مال مردم را حیف و میل

۱- ۴۸. اصول کافی، ج ۵، ص ۵۲؛ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۱۶۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۱.

می کنـد و یـا بالاـ می کشـد هم دزد است؛ آن که کلاهبرداری می کنـد هر چنـد در قـالب قانونی و علنی، دزد است؛ آن که جنسـی را چند برابر گران تر می فروشد دزد است؛ کسـی که جنس مورد نیاز مردم را احتکار می کند نیز دزد است؛ هرچند او را دزد نخواننـد؛ که هر کدام به نوعی مال دیگران را به ناحقّ تصاحب می کند در صورتی که این مال حرمت خاصّی در دین مقدّس اسلام دارد.

لذا هیچ کسی حقّ ندارد به مال دیگران دست درازی کند و اگر کسی مرتکب آن شد، با جمع شدن همه شرایط آن، دست او باید قطع شود؛ چنان که آیه شریف می فرماید:

«وَالسّارِقُ وَالسّارِقَهُ فَاقْطَعُوا أَیدِیهُما جَزَآءً بِما کَسَبا نَکالاً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِیزٌ حَکِیمٌ»؛(۱)

«دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده انـد، بعنوان یک مجازات الهی، قطع کنیـد! و خداونـد توانا و حکیم است».

ص:۵۲

۱- ۴۹. سوره مائده، آیه ۳۸.

زنا نکردن

«و لا یزنوا»

یاران حضرت مهدی علیه السلام با ایشان بیعت می کنند که مرتکب خلاف و زنا نشوند. زنا به عنوان افحش الفواحش؛ یکی از بزرگ ترین و بدترین موارد گناه و فحشا است. گناه و زشتی این عمل آنقدر زیاد است که قباحت آن به لفظ «زنا» نیز سرایت نموده و بیان آن هم موجب شرم ساری است و من به خدا پناه می برم از این که این لفظ را بر زبان جاری کنم و یا از قلم بر کاغذ، ساری نمایم، و باید به خدا پناه برد از شرّ شیطان!

این عمل خلاف و شنیع گناهی نیست که بخواهیم در مورد آن توضیح دهیم. مفاسد دنیوی و عواقب اخروی این گناه، برای همه معلوم است، چه آثار فردی و چه آثار اجتماعی و خانوادگی آن؛ مطابق حدیثی که از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده، جهنمیان از بوی تعفّن چنین افرادی در عذاب خواهند بود.

کسی که ادعای انتظار و امید یاری امام زمان علیه السلام را دارد؛ حتی به طرف چنین گناهی هم نزدیک نمی شود؛ چنان که آیه شریفه می فرماید:

«وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَی إِنَّهُ کانَ فاحِشَهً وَسَآءَ سَبِیلًا»؛(۱)

«و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است»!

روایت از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده است:

زناکار در حالی که زنا می کند مؤمن نیست و دزد هم در حالی

۱- ۵۰. سوره اسرا، آیه ۳۲.

که دزدی می کند مؤمن نیست؛ چون این گونه افراد وقتی به چنین عملی دست می زنند ایمان از وجودشان کنده می شود؛ آن طور که پیراهن از تن کنده می شود.(۱)

یعنی در آن حال، کافر و مشرک است که خود از بزرگ ترین گناهان کبیره می باشد.

امام باقرعلیه السلام فرموده است:

«ما مِنْ عِبادَهٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عِفَّهِ بَطْنٍ وَفَرْجٍ»؛(۲)

هیچ عبادتی نزد خدا بهتر از عفت شکم و عورت نیست.

حال اگر کسی مرتکب چنین گناه بزرگی شد، باید مجازات شود که طبق آیه شریفه، مکافات او چنین است:

«الزَّانِیهُ وَالزَّانِی فَاجْلِدُوا کُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَهَ جَلْدَهٍ وَ لَا تَأْخُذْکُم بِهِمَا رَأْفَهٌ فِی دِینِ اللَّهِ إِن کُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْأَخِرِ وَلْیَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَآئِفَهٌ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ»؛(۳)

«هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید؛ و نباید رأفت (و محبّت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند»!

البته این حکم مخصوص افراد مجرد می باشد؛ یعنی اگر کسی دارای همسری باشد که می تواند از او استفاده و استمتاع کند؛ ولی با این

۱- ۵۱. تفسیر المیزان، ج ۱۵، ۱۱۹؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷.

۲- ۵۲. اصول کافی، باب العفه، ج ۴، ص ۲۴۲.

۳- ۵۳. سوره نور، آیه ۲.

حال مرتکب زنا شود، حکم او اعدام (رجم و سنگسار) خواهد بود.

به هر حال این گناه مجازات مختلفی دارد؛ از جمله: سنگسار، تازیانه، تراشیدن سر، تبعید، اعدام، پنجاه تا هفتاد و پنج ضربه شلاق، که در هر مورد بسته به نوع و شخص آن با حکم قاضی خواهد بود.

دو نکته قابل توجّه:

نکته اوّل: در مورد کلمه «زنـا» این است که گـاه به نگـاه نـا محرم نیز زنا گفته می شود؛ یعنی یکی از گناهان چشم، زناست و آن موقعی است که نگاه آلوده و شیطانی به نامحرم کنـد و چشم چرانی نماید؛ چنان که از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که نگاه به نامحرم تیری زهرآلود از تیرهای شیطان است که انسان را به دام می اندازد:

«النظر سهم من سهام ابلیس»؛(۱)

و از عیسی علیه السلام نقل است که فرموده:

«ایاکم و النظره فانها تزرع فی القلوب الشهوه و کفی بها لصاحبه فتنه»؛(۲)

بپرهیزید حتی از یک نگاه نامحرم که تخم شهوت در دل می کارد، و همین برای فتنه صاحب آن کافی است.

نکته دوم: این که چرا به این گناه بزرگ و بسیار زشت در این عهدنامه اشاره شده است، شاید به این جهت باشد که خدای ناکرده و پناه بر خدا، در مواردی از زمان ها و یا مکان ها و یا دوره ای از آخرالزمان خواهد رسید که این گناه شایع شده، آن را سبک بشمرند و افراد زیادی به آن آلوده شوند!

۱- ۵۴. بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸.
۲- ۵۵. گفتار انبیا، ص ۳۰۸.

آدم کشی نکردن

«و لا یقتُلوا»

یاران مهدی صاحب الزمان علیه السلام با آن حضرت بیعت می کنند که کسی را به قتل نرسانند. البته واضح است که مراد از این کشتن، قتل به ناحقّ و قتل نفس محترم است، و مراد از آن، کشتن در جنگ و جهاد و یا کشتن قاتل به عنوان قصاص نیست؛(۱) یعنی کسی که احترام جانش را خود از بین برده است، دیگری هم برای جان او احترام قائل نیست.

یکی از گناهان کبیره که خداوند به انجام دهنده آن وعده عذاب داده است، قتل نفس محترم است؛ یعنی کسی را به ناحقّ کشتن.

بنابراین اگر کسی مرتکب قتل فردی شد، باید کشته شود، آیه کریمه می فرماید:

«وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِ ۗ وَ مَن قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِیهِ سُلْطَاناً فَلَا یسْرِف فِّی الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُوراً»؛(۲)

و کسی را که خداوند خونش را محترم شمرده، نکشید، جز بحق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولی اش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکند، چرا که او مورد حمایت است!

ص:۵۶

۱- ۵۶. که از جمله آیات ۱۷۸ و ۱۷۹ سوره بقره و آیه ۴۵ سوره مائده به آن اشاره دارد.

۲- ۵۷. سوره اسرا، آیه ۳۳.

و در آیه دیگر هم به حرمت و هم به مجازات اخروی قتل عمدی اشاره دارد:

«وَمَن يقْتُلْ مُؤْمِناً مُّتَعَمِّداً فَجَزَآؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِداً فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَاباً عَظِيماً»؛(۱)

و هر کس، فرد باایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازاتِ او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن می ماند؛ و خداوند بر او غضب می کند؛ و او را از رحمتش دور می سازد؛ و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.

البته همان طور که از این چند آیه هم معلوم شد، قتل دارای انواعی است؛ مثل قتل عمدی، غیر عمدی، شبه عمد، خطایی و ...که هر کدام قانون و مقررات و شرایط و مجازات مربوط به خود را دارد که این جزوه گنجایش بحث از آن را ندارد.

۱- ۵۸. سوره نسا، آیه ۹۳.

هتک حرمت نکردن

«و لا یهتِکوا حریماً محرماً»

اصحاب امام زمان علیه السلام با آن حضرت بیعت می کنند که حرمت شخص محترمی را هتک نکنند.

بنا به اصطلاح جدید، ترور گاه فیزیکی است و زمانی شخصیتی، ترور فیزیکی به این است که فردی را با سلاح گرم یا سرد از پای درآورند و او را بکشند؛ امّا در ترور شخصیت، از اسلحه و عمل فیزیکی استفاده نمی شود؛ بلکه با زبان و سخن چینی و عیب جویی و توطئه و شایعه، کاری می کنند که حرمت و آبرو و حیثیت فردی لکه دار، یا شخصیت او از احترام بیفتد.

دستور اکید اسلامی این است که نباید حرمت کسی هتک شود؛ چه مسلمان چه غیر مسلمان، آبرو و حیثیت هر فردی محترم است و اگر کسی آن را رعایت نکند، مرتکب گناه کبیره شده است.

«وَالَّذِينَ يؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ بِغَيرِ ما اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتاناً وَإِثْماً مُّبِيناً»؛(۱)

«و آنان که مردان و زنان باایمان را به خاطر کاری که انجام نداده اند آزار می دهند؛ بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده اند.

چون آبروی مؤمن همانند خون او محترم است، و از کعبه هم احترام بیشتری است.

ص:۵۸

۱- ۵۹. سوره احزاب، آیه ۵۸.

هتـک حرمت و آبروی دیگران را بردن، گـاه به جهت مسائـل اجتماعی یا سیاسـی، بیشتر مورد توجّه و اهمیت قرار می گیرد و ممکن است زیاد هم اتفاق بیفتـد. دو یا چنـد نفر رقیب که می خواهنـد مقامی را به دست بیاورنـد، یا دوست دارند موقعیتی را کسب کنند، یا در انتخابات شرکت کنند و خود را در معرض انتخاب مردم قرار دهند، گاه برای این که رقیب خود را شکست دهنـد، بـه شـایعه سـازی و دروغ و تهمت و افـترا و ترور شخصـیت روی می آورنـد؛ یعنی آبروی یـک فرد مسـلمان محـترم را درسـطح یـک منطقه یـا اسـتان و یا در کل کشور و جامعه ضایع می کننـد که این از همه مهم تر و گناه آن هم از همه بیشتر و سنگین تر است.

ص:۵۹

فحش و دشنام ندادن

«و لا یسبُّوا مُسلماً»(۱)

منتظران ظهور قائم آل محمّدعلیهم السلام تعهد می دهند و بیعت می کنند که مسلمانی را سبّ و فحش و دشنام ندهند.

فحش و دشنام، گفتار رکیک و نامربوطی است که هیچ زبان پاك و هیچ دهان طاهری خود را به آن آلوده نمی کند، کاری است بسیار بیهوده که هیچ نفعی ندارد جز ضرر برای گوینده و شنوده که فردی با وسوسه و مکر شیطان، رذالت خودش را آشکار می کند.

منشأ هرگونه فحش و دشنام و هرزه گویی و بدزبانی، خباثت نفس و دنائت طبع است.(۲)

خداوند متعال در آیه شریفه می فرماید:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِینَ یدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَیسُبُّوا اللَّهَ عَدْواً بِغَیرِ عِلْمٍ کَذَلِکَ زَینّا لِکُلِ ـّ أُمَّهٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَی رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ فَینَبِّئُهُم بِما کانُوا یعْمَلُونَ»؛(۳)

(به معبودِ) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبادا آن ها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! این چنین برای هر امّتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آن ها را از آنچه عمل می کردند، آگاه می سازد (و پاداش و کیفر می دهد).

ص:۶۰

۱- ۶۰. این بند با دو نسخه ثبت شده: یکی «لایشتموا» و یکی «لایسبّوا».

۲- ۶۱. معراج السعاده، مرحوم نراقی، ص ۱۹۳.

۳- ۶۲. سوره انعام، آیه ۱۰۸.

وقتی می فرمایـد که به بت، فحش و دشـنام ندهیـد، معلوم می شود که حرمت انسان چقدر است، چه رسد به انسان مسـلمان و مؤمن.(۱)

همـان طور که گفته شـد، فحش دادن فقط خباثت درونی خود فرد را عیان می کنـد و معلوم می شود که خود این فرد مشـکل دارد، به همین جهت آن را یکی از گناهان کبیره شمرده اند.

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نقل شده است:

بهشت حرام است بر هر فحش گوینـده کم حیایی که پروا نکند از آنچه خود گوید و از آنچه به او گویند، چنین کسـی را اگر تفتیش کنی از احوال او، یا ولد الزناست یا شیطان در نطفه او شریک شده است.(۲)

همچنین نقل شده که فرمودند:

اهل دوزخ از دست چهار گروه در عذابند، یکی از آنان کسی است که پیوسته از دهانش چرک جاری است و این فردی است که در دنیا فحش گو بوده است.(۳)

۱- ۶۳. البته بسیار واضح است که بت و بت پرست، هیچ احترام و حرمتی ندارد، لکن با این بیان می خواهد ریشه چنین عملی را برکند تا کسی زبان خود را به کلمات ناشایست، آلوده نکند.

۲- ۶۴. حلیه المتقین، ص ۴۸۸.

۳- ۶۵. معراج السعاده، مرحوم نراقی، ص ۱۹۳.

به خانه ای هجوم نبردن

«و لا یهجمُوا مَنزلاً»

یاران امام زمان علیه السلام متعهد می شوند که به منزل کسی بدون جهت هجوم نبرند؛ چرا که حریم خصوصی و چهار دیواری هر کسی؛ یعنی خانه شخصی هر فردی، جایی است که وقتی خود و خانواده اش وارد آنجا می شوند، از هر لحاظ احساس آرامش، آسایش و آزادی می کنند، و این آرامش و آزادی در خانه تا موقعی که موجب تعارض با آزادی و آسایش سایر افراد جامعه و همسایگان نشود، باید برای همه محترم بوده، کسی حقّ عبور به حریم خصوصی و شخصی دیگری را نداشته باشد. شرع و قانون نیز این حقّ را به رسمیت شناخته، و از ورود افراد به خانه دیگران بدون اجازه صاحب خانه، منع کرده است.

البته ورود و هجوم به خانه دیگران نیز می تواند به گونه های متفاوتی باشد، گاه علنی است و گاه مخفی؛ گاهی به صورت دزدی و غارت است و گاهی برای آزار و اذیت؛ گاه از دیوار کسی بالا می روند و گاه ایجاد مزاحمت می کنند؛ گاهی برای نا امن کردن محیط خانه و خانواده است؛ و گاهی نیز عنوان غصب پیدا می کند، یعنی ممکن است کسی به زور و حیله و کلک بیاید و صاحب خانه را از خانه و یا از قسمتی از خانه بیرون کند و خود در جای او بنشیند و آن را اشغال نماید. تمام انواع و اشکالی که ذکر شد همه حرام و غیر مجاز است.

برای ورود به خانه هر کسی حتی نزدیکان و خویشان، ادب و آداب مخصوصی دارد که باید رعایت شود.

ص:۶۲

مثلاً در یکی از آیات شریفه قرآن می فرماید:

«يأَيها الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيوتاً غَيرَ بُيوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُواعَلَى أَهْلِها ذَلِكُمْ خَيرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ * فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيها أَحداً فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»؛(۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ شاید متذکّر شوید. * و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر گفته شد: «بازگردید!» بازگردید؛ این برای شما پاکیزه تر است؛ خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

مگر در موردی که بر اساس قانون و حکم دادگاه صالح، ضرورتی ایجاب کند.

۱- ۶۶. سوره نور، آیات ۲۷ و ۲۸.

کسی را نزدن

«و لا یضرِبوا أحَداً الّا بِالحقّ»

آزار و اذیت دیگران، چه با زدن آنان و یا به گونه ای دیگر، کاری غیر انسانی و مذموم است. زدن با دست یا چوب یا هر چیز دیگری، اگر بدون جهت شرعی باشد، در حرمت آن هیچ شکّی نیست و هیچ طایفه و فرقه ای از بنی آدم زدن کسی را تجویز نکرده و نمی کند.(۱) در اخبار و روایات نیز از این عمل ناجوانمردانه نهی شده؛ مثلاً فرمودند: هر که مردی را تازیانه زند، حقّ تعالی او را تازیانه از آتش خواهد زد.(۲)

البته این رسم برخی از ناجوانمردان و افراد هرزه بعضی از محله هاست که گاه تک نفره یا چند نفره، بی جهت و بدون هیچ گونه دلیل و علتی، به فرد یا افرادی اذیت و آزار می رسانند. گاه فقط برای سرگرمی و یا شوخی و خنده، ممکن است فردی را دوره کرده، او را کتک بزنند، کسی را مظلوم ببینند و به او ظلم کنند، یکی را غریب بیابند و او را بترسانند. که این گونه اعمال از حدّ انسانی خارج بوده، هیچ غیرتمندی آن را نمی پذیرد.

به هر حال، یار و یاور امام زمان علیه السلام - او که قرار است بیاید تا ظلم و ستم را ریشه کن نماید و عدالت را در همه جا جاری فرماید - از چنین رفتاری به دور است و بیعت می کند که به کسی آزار و اذیت نرساند و یا کسی را کتک نزند که گناهی کبیره است و مجازات شدید دارد.

ص:۶۴

۱- ۶۷. به غیر از رژیم نژادپرست قدس که براساس دستور صهیونیسم، اشغال و ویرانی خانه و کاشانه مردم مظلوم و مسلمان را و آزار و اذیت اهالی آن را جایز می شمرند!

۲- ۶۸. معراج السعاده، مرحوم نراقی، ص ۱۹۳.

از حیوان ضعیف کار نکشیدن

«و لا یرکبُوا الخَیل الهمالیج»

یکی از موارد بیعت نامه یاران امام زمان علیه السلام با آن حضرت این است که بر حیوان لاغر و ضعیف سوار نشوند و بیش از طاقت شان، از آن ها کار نکشند.

ملاحظه همین یک حکم و دستور کافی است که عمق توجّه شرع مقدّس اسلام به جایگاه حقوق بشر و حیوان را برای تمام جهانیان آشکار کند. در قرنی که به نام حقوق بشر، انواع ظلم و جنایات را بر ملّت های مستضعف و مظلوم روا می دارند، به نام آزادی بشر، انواع جنگ ها و جنایت ها را بر بشر جایز می شمرند، به جایگاه والای احکام مترقی اسلام پی می بریم که نه تنها حقوق تمام انسان ها را محترم می داند (چه مسلمان و چه غیر مسلمان) بلکه حقوق حیوانات را هم متذکر می شود؛ حتی حقوق نباتات، از درخت و گیاه و محیط زیست را هم به بهترین وجه بیان می کند و آن را تحت حمایت خود می داند. مثلاً برای کاشتن یک درخت، چه ثواب ها، و برای قطع درخت، چه توبیخ ها بر می شمرد و یا در رفتار و برخورد با حیوانات، به خصوص حیوانات اهلی احکام خاصی برای انسان بیان کرده است. به همین جهت یاران صاحب الزمان علیه السلام با ایشان بیعت می کنند که در استفاده از حیوانات، رعایت حال آنان را بکنند، بر حیوان لاغر و ضعیف؛ چه اسب و چه غیر آن سوار نشوند، بار اضافی بر آن حمل نکنند، به آب و غذا و استراحت آن نیز اهمیت بدهند.(۱)

۱- ۶۹. حلیه المتقین، ص ۴۱۳.

با طلا آرایش نکردن

«و لا یتمنطقُوا بِالذَّهب»

یقیناً تمام احکام خداونـد؛ چه اوامر و چه نواهی آن مطابق با مصالـح و مفاسد واقعی و حکمتی است که در آن کارها و اعمال وجود دارد، چه ما برخی از آن مصالح را بدانیم یا ندانیم، بعضـی از حکمت های آن ها را درک کنیم یا نکنیم، اگرچه ممکن است بر اثر پیشرفت علوم و تکنولوژی یا تحقیقات پزشکی، برخی از این حکمت ها، بعد از قرن ها برای بشر آشکار شده باشد که مثلاً فلان موضوع این مفسده و ضـرر را دارد که حرام شده و یا فلان حکم به این سبب واجب شده که دارای این مصلحت و فایـده بـوده است؛ لکن علت واقعی احکـام، این گـونه برای بشـر معلـوم نخواهـد شـد؛ مگر این که خـود شـارع و یـا معصوم بفرمایند.

اسـتعمال طلا برای مرد نیز از این نمونه است، هر چند ممکن است برای اسـتفاده آن برای مردها مضراتی را بگویند، لکن به هر حال، حکم اسلام این است که آرایش مرد به طلا و استعمال آن برای وی حرام است و نماز هم با آن باطل می باشد.

نه تنها اسـتفاده و آرایش به طلا، بلکه پوشیدن لباس طلاباف هم برای مرد حرام است، وضو گرفتن در ظرفی که از طلا ساخته شده نیز صحیح نیست، غذا خوردن و آشامیدن از ظرف طلا نیز حرام است.

ص:۶۶

یکی از مسائل مطرح شده در رساله عملیه چنین است:

خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و استعمال آن ها حرام است، ولی استعمال آن ها در زینت اتاق حرام نیست و نگاه داشتن نیز حرام نمی باشد.(۱)

بنابراین کسی که منتظر امام زمان علیه السلام است و می خواهد دست بیعت به آن حضرت بدهد، نباید لباسش و یا در دستش و یا به گردنش طلا باشد و یا کمربندش از طلاباشد و خود را با آن بیاراید؛ لذا با دوری از این کار، التزام و بیعت عملی خود را به اسلام و مهدی موعودعلیه السلام به نمایش می گذارد.

ص:۶۷

۱- ۷۰. توضیح المسائل امام خمینی، مسئله ۲۲۶.

لباس خزّ نپوشیدن لباس حریر و ابریشم نپوشیدن

«و لا یلْبِسوا الخَزّ، و لا یلبسُوا الحَرِیر»

استفاده از نعمت های خدادادی و آشکار نمودن نعمت، از جمله پوشیدن لباس خوب و تمیز و نو و زینت دادن خود، ستودنی و مستحب است.(۱) لکن موضوع پوشش لباس، رنگ لباس، جنس لباس، نحوه پوشش، بلندی و کوتاهی آن، نازکی و ضخامت آن، همه و همه از مواردی است که هر کدام دارای پیام و مفهوم خاصی است که هم نشان دهنده هویت و شخصیت فرد است و از همه مهم تر نشانه عقیده و فکر اوست. رنگ و جنس و نحوه پوشیدن یک لباس و یا نوشته روی آن، ممکن است بیانگر طرز تفکّر خاصی یا القای شعار و یا تأیید گروهی و اعتراض به مذهب دیگری باشد. به هر حال لباس، در حدّ خودش نوعی پرچم است که همیشه بر افراشته می باشد و در مقابل دید همگان قرار دارد.

یک فرد مسلمان که عقیده به خدا دارد، پیرو امامان معصوم علیهم السلام و مقلّد احکام اسلامی است، نمی تواند هرگونه لباس که در جامعه وجود دارد را بپوشد، از هر جنسی استفاده کند، از هر رنگی در هر رده سنی بپوشد؛ بلکه هر کدام از آن ها اقتضائاتی دارد. رنگ لباس یک فرد

---

۱ – ۷۱. مرحوم علّامه مجلسی اوّلین باب کتاب حلیه المتقین را به موضوع آداب لباس و کفش اختصاص داده که خواننده محترم را به مطالعه آن دعوت می کنیم. در این باب به مطالب متنوعی اشاره شده؛ از جمله: فضیلت تجمّل و زینت کردن، لباس های حرام، رنگ لباس، آداب لباس پوشیدن، لباس مخصوص زنان و کافران، آداب لباس نو دوختن و نو پوشیدن.

کهنسال با جوان و کودک فرق می کند، همان طور که جنس لباس زن و مرد با هم یکی نیست. به همین جهت در شرع مقدّس اسلام نیز مقرراتی وجود دارد.

یکی از محرمات برای مردان، پوشیدن لباس حریر و طلاباف است و اگر کسی با چنین لباسی نماز بخواند نمازش نیز باطل است. تقریباً تمام مراجع تقلید در رساله های عملیه خود به این موضوع اشاره و حکم آن را بیان فرموده اند که در اینجا یک مسئله از رساله امام خمینی(ره) که تقریباً مشترک بین همه توضیح المسائل مراجع است را ذکر می کنیم:

مسئله ۸۳۴: لباس مرد نمازگزار باید ابریشم خالص نباشد و در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است، و در چیزی که نماز در آن تمام نمی شود، مانند بند شلوار و عرقچین نیز به احتیاط واجب نباید از حریر خالص باشد.

با سند معتبر نقل شده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: یا علی! انگشتر طلا در دست مکن که زینت توست در بهشت، جامه حریر مپوش که آن پوشش توست در بهشت.

و در حدیث دیگر فرمود: جامه حریر مپوش که حق تعالی به سبب این در قیامت پوستت را به آتش می سوزاند.(۱)

۱- ۷۲. حلیه المتقین، علّامه مجلسی، ص ۲۲.

کفش صدادار به پا نکردن

«و لا یلبسوا النِّعالَ الصّراره»

در عبارت این بنـد از بیعت نامه می فرماید یاران امام زمان علیه السـلام بیعت می کنند که نعلین و کفش «صـراره» به پا نکنند، در توضیح این صراره گفته شده:

«هی التی لها صریر؛ ای صوت اذا مشی الانسان فیها، و ینسب الیها ابوالقاسم بکر بن الفضل بن موسی النعالی الصراری روی عن مقدام بن داوود»؛(۱)

نوعی نعلین و کفش بوده که هرگاه انسان با آن راه می رفت، صـدایی از آن بلنـد می شد، از مقدام بن داوود نقل شده که این نسبت و نام را ابوالقاسم بکر بن فضل بن موسی نعال صراری داده است.

در یکی از آیات قرآن کریم در این زمینه آمده است:

«... وَلَا یضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیعْلَمَ ما یخْفِینَ مِن زِینَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَی اللَّهِ جَمِیعاً أَیهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»؛(۲)

... و هنگـام راه رفتن پاهـای خود را به زمین نزننـد تـا زینتِ پنهانیشـان دانسـته شود (و صـدای خلخال که بر پا دارنـد به گوش رسد). و همگی به سوی خدا باز گردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید.

در زمـان قـدیم چنان بوده و برخی با آن نعل و کفش که صـدا می کرده، راه می رفتنـد، اکنون نیز نوع دیگری با ویژگی های دیگری و حتی

ص:۷۰

۱- ۷۳. تهذیب الانساب، ابن اثیر جزری، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲- ۷۴. سوره نور، آیه ۳۱.

صـدای بیشتری، ولی بـا همان هـدف و انگیزه وجود دارد، کفش پاشـنه دار بزرگ و با صـدای بلنـد که گاه از چنـدین متری، صدای آژیر آن به گوش می رسد؛ خصوصاً برای خانم ها که بیشتر برای جلب توجّه و اعلان حضور چنین می کنند. این گونه اعمال و رفتار، بر خلاف تعهد و پیمانی است که هر مسلمانی با امام زمان علیه السلام بسته است.

ص:۷۱

مسجدی را خراب نکردن

مسجدی را خراب نکردن(۱)«و لا یخربُوا مَسجداً»

مسجد خانه خداوند متعال و محل عبادت بندگان خداست.(۲) مسجد به جهت انتساب به خداوند و نیز انجام مراسم عبادی و معنوی، از تقدس خاصی برخوردار است و دارای آداب و ارزش فراوانی است که هر کسی وظیفه دارد آن را رعایت کند، طهارت آن را پاس دارد، از نجاست آن جلوگیری و در صورت وقوع، سریعاً نسبت به طهارت آن اقدام نماید.

عمران و آبادانی مسجد و خرابی آن، دو عنوانی است که در رابطه با مسجد مطرح است و در مقابل هم قرار دارند، در مورد آبادانی مسجد آیه شریفه می فرماید:

«إِنَّما یعْمُرُ مَساجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْیوْمِ الْأَخِرِ وَأَقامَ الصَّلَواهَ وَآتَی الزَّکَواهَ وَلَمْ یخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَی أُولَئِکَ أَن یکُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِینَ»؛(۳)

مساجد خدا را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند.

ص:۷۲

---

۱ – ۷۵. این بند از بیعت نامه به دو گونه ثبت شده: در یک نسخه «لا یخرجوا مسجداً» می باشد به این معنا که در مسجد، شورش و خروج و قیام نکنند و در نسخه دیگر، «لا یخربوا مسجداً» است، به این معنا که مسجدی را خراب نکنند.

۲– ۷۶. وَأَنَّ الْمَساجِدَ للَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَداً»؛ سوره جن، آیه ۱۸؛ و نیز آیه ۲۹ سوره اعراف.

۳– ۷۷. سوره توبه، آیه ۱۸.

از این که از آبادانی مسجد به ایمان و عبادت و نماز و حضور در مسجد نام می برد، معلوم می شود خرابی مسجد نیز به سبب عواملی است که در مقابل این اعمال قرار دارد؛ یعنی بی ایمانی، عدم حضور در مسجد، رهاکردن و عدم اهمیت به مسجد، خالی گذاشتن آن و کم رنگ کردن نقش مسجد در زندگی اجتماعی، موجب خرابی مسجد می شود. لذا آیه دیگری از قرآن کریم می فرماید:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَساجِدَ اللَّهِ أَن يذْكَرَ فِيها اسْمُهُ وَسَعَى فِى خَرَابِها أُولَئِكَ ما كانَ لَهُمْ أَن يدْخُلُوها إِلَّا خَآئِفِينَ لَهُمْ فِى الدُّنْيا خِزْى وَلَهُمْ فِى الْأَخِرَهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛(۱)

کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آن ها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانون های عبادت) شوند. بهره آن ها در دنیا (فقط)رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)!!

ظالم ترین و ستم کارترین افراد، کسی است که از ذکر خدا در مسجد جلوگیری می نماید.

و چه تعبیر جالبی از امام خمینی(ره) که می فرمود: مسجدها سنگر است، باید سنگرها را پر کرد. اگر سنگر خالی شود، دشمن از همان نقطه نفوذ خواهد کرد.

بنابراین یار امام زمان علیه السلام این سنگر را حفظ خواهد کرد، بر آبادی

ص:۷۳

۱- ۷۸. سوره بقره، آیه ۱۱۴.

و عمران و نقش محوری آن می افزاید، از خرابی و خالی کردن آن جلوگیری می کند، و برای ساختن مساجد دریغ نمی ورزد و مسجد ساخته شده را با مراسم عبادی خود و دیگر مومنان، آباد می کند.

و به همین جهت است که قرآن کریم، مشرکان و کافران را از نزدیک شدن به مسجد منع نموده و آیه شریفه کمی فرماید:

«ما كانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يعْمُرُوا مَساجِدَ اللَّهِ شاهِدِينَ عَلَى أَنفُسِهِم بِالْكُفْرِ أُولئِکَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِی النّارِ هُمْ خالِدُونَ»؛(۱)

مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می دهند! آن ها اعمالشان نابود (و بی ارزش) شده؛ و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند ماند!

ص:۷۴

۱- ۷۹. سوره توبه، آیه ۱۷.

راه را بر کسی نبستن

«و لا یقطَعوا طَریقاً»

یکی از نمودهای امنیت اجتماعی که برای فرد فرد افراد جامعه و ادامه زندگی سالم، ضروری و حیاتی است، امنیت راه ها، خیابان ها و جاده ها برای عبور و مرور راحت مردم می باشد.

اگر کسی یا کسانی، راه مسافران و کاروانیان را سد کند و با بستن راه فرار و چاره آنان، دار و ندار آنان را به یغما ببرد، یا آنان را بترساند، اسلام چنین کسی را مجرم نامیده و مجازات سختی برای وی، حتی اعدام و مرگ را پیش بینی کرده است و چنین اعمالی از کسی که خود را مسلمان می داند و یا بالاتر، خود را یاور امام زمان علیه السلام به حساب می آورد بسیار بعید است.

البته بستن راه دیگران می تواند موارد و نمودهای گوناگونی داشته باشد که یکی از آنان بستن فیزیکی راه و جاده است یا جلوی مسافران و عابران را گرفتن است که مزاحمان خیابانی را می توان نام برد.

نوع دیگری از راه بندان ممکن است مانع خیر شدن باشد(۱) که آن هم اقسام زیادی دارد، گاهی کسی تصمیم بر کار خیری می گیرد، دیگری می آید و با یک کلمه او را منصرف می کند، کسی می خواهد به خانواده ای کمک کند، فردی امر به معروف و نهی از منکر نماید، جوانی می خواهد کاری اجتماعی کند، امّا کسی می گوید مگر سرت درد می کند؟! تو را چکار به این کارها؟! یعنی از خودش کاری

۱- ۸۰. که در آیات شریفه قرآن به «صدّ عن سبیل اللّه» معروف است.

برنمی آیـد، و یا حسادت می کنـد، دیگری هم که می خواهـد در اجتماع مفیـد باشـد و مشـکلی را حل کند، با مانع تراشـی و عیب و ایراد، جلوی کار او را می گیرد؛ کسـی می خواهد به راه خدا بیاید، به خانه خدا بیاید، می خواهد از گذشـته خود توبه کند، رفیقِ بد او مانع می شود، این می خواهد پیش رفت کند، دیگری از روی حسادت، جلوی او سدّ می شود.

به هر حال کسی حقّ ندارد جلوی راه حرکت و پیشرفت دیگری را سد کند و راه خیر او را ببندد.

ص:۷۶

به یتیم، ظلم و ستم نکردن

«و لا یظلِمُوا یتِیماً»

از بدترین ظلم ها و ستم ها، ظلم به یتیم، و ستم به کسی است که سرپرستی ندارد. یتیم یعنی کودک و فرزندی که پدر و مادر یا یکی از آنان را از دست داده و در ظاهر پناهگاهی نداشته باشد.

و در مقابل، بهترین احسان ها و زیباترین کمک ها، یاری دادن به یتیم و دست نوازش بر سر آنان کشیدن است. چنین کاری انسانی ترین کارها و عالی ترین درجه محبت و شفقت نسبت به همنوع انسان می باشد که دارای ارزش و ثواب بسیار است و هر شخصی باید خود را ملزم به رعایت آن کند تا فرد یتیم به مرحله ای برسد که بتواند روی پای خود بایستد و خود را اداره نماید. احادیث روایت شده از پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام و بزرگان دین در مورد یتیم و یتیم نوازی بسیار زیاد است و به آن تأکید شده که می توان به کتب مربوطه مراجعه کرد.

توجّه به یتیم و سرپرستی از آن به قدری مهم است که خداوند متعال در قرآن کریم، بی توجهی به آن را در حدّ تکذیب روز قیامت می داند و می فرماید:

«أَرَءَیتَ الَّذِی یکَذِّبُ بِالدِّینِ فَذلِکَ الَّذِی یدُعُّ الْیتِیمَ وَلَا یحُضُّ عَلَی طَعامِ الْمِسْکِینِ»؛(۱)

آیا کسی که روز جزا را پیوسته انکار می کند دیدی؟ او همان کسی است که یتیم را با خشونت می راند، و (دیگران را) به اطعام مسکین تشویق نمی کند!

ص:۷۷

۱- ۸۱. سوره ماعون، آیه ۱ تا ۳.

و از جمله سفارشات لقمان به پسرش چنین است:

«یا بنی! کن للیتیم کالاب الرحیم»؛(۱)

ای پسرم نسبت به بچه یتیم همانند پدری مهربان رفتار کن.

ص:۷۸

۱- ۸۲. بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۴۲۸.

##ناامن نکردن راه ها

«و لا یخِیفوا سَبیلاً»

راه مردم و محل عبور و مرور آنان را نا امن نکنند.

مسئله ناامنی راه ها و ترساندن مسافران و مانع ایشان شدن، آنقدر مهم است که در این بیعت نامه این دومین بار است که به آن اشاره شده است. به همین جهت مجازات آن هم بسیار شدید است که آیه شریفه قرآن می فرماید:

«إِنَّما جَزَآؤُا الَّذِینَ یحارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَیسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَساداً أَن یقَتَّلُوا أَوْ یصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَیدِیهِمْ وَأَرْجُلُهُم مِّنْ خِلافٍ أَوْ ینفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِکَ لَهُمْ خِزْی فِی الدُّنْیا وَلَهُمْ فِی الْأَخِرَهِ عَذَابٌ عَظِیمٌ»(۱)

کیفر آن ها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می برند،) فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آن ها، بعکس یکدیگر، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آن ها در دنیاست؛ و در آخرت، مجازات عظیمی دارند.

لذا قاطِعُ الطَّریق یا قُطّاعُ الطَّریق؛ یعنی کسانی که شمشیر بکشند یا اسلحه به دست بگیرند و جلوی مردم را سدّ کنند، هم به مجازات دنیوی می رسند و هم باید منتظر کیفر اخروی آن باشند.

۱- ۸۳. سوره مائده، آیه ۳۳.

با کسی مکر و حیله نکردن

«و لا یحْتَسِبُوا مَکراً»(۱)

مکر و حیله؛ یعنی با پنهان کاری و زیرکی، کاری کند که به دیگری ضرر برساند، با خدعه و نیرنگ، اعمالی انجام دهد که دیگران را به غفلت و جهالت اندازد تا از این موقعیت، سوء استفاده کند. مکر و حیله با هیچ کسی خوب نیست به خصوص مکر با مسلمان؛ چرا که با مکر و حیله نمی توان به جایی رسید.(۲)

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در این زمینه چندین حدیث وارد شده که جهت نورانیت مطلب، سه نمونه ذکر می شود. ایشان فرمودند:(۳)

۱ - المکر والخدیعه والخیانه فی النار؛

عاقبت مکر و خدعه و خیانت در آتش است.

۲ - ملعون من ضارّ مؤمناً أو مَکَر به؛

ملعون است کسی که به مؤمنی ضرر برساند و یا با او مکر کند.

۳ - لیس منّا من غشّ مسلماً أو ضرّه أو ماکَرَه؛

از ما نیست کسی که با مسلمانی غشّ و دغل کند، یا به او ضرر برساند و یا حیله به کار برد.

ص:۸۰

---

۱ - ۸۴. در این عنوان نیز اختلاف است: یک جا «لا یحبسوا بَکراً» می باشد {نسخه الملاحم و الفتن سید بن طاووس} و در نسخه دیگر؛ یعنی در حیاه الامام مهدی «لا یحتسبوا مکراً» است.

۲ - ۸۵. البته مکر در جبهه و جنگ با دشمنان موضوع دیگری است که برای پیروزی، می توان از مخفی کاری و سیاست و حیله، آنان را غافلگیر کرد.

۳- ۸۶. نهج الفصاحه، کلمات رسول خداصلی الله علیه وآله.

مال یتیم را به ناحقّ نخوردن

«و لا یأکُلوا مالَ الیتیمِ»

از مظلوم ترین و نیازمندترین افراد جامعه، کودکی است که پدر و مادر خود، یا یکی از آنان را از دست داده باشد و نتواند، نه از خود و نه از اموالی که به وی ارث رسیده و متعلق به اوست نگهداری کند.

حمایت از یتیمی که از عقل کاملی برخوردار نیست و به حدّ بلوغ نرسیده و توان حفاظت از خود را ندارد، از ضروری ترین و انسانی ترین کارهاست. در حمایت و حضانت و سرپرستی از چنین شخصی همه افراد جامعه و حکومت؛ خصوصاً کسانی که به عنوان وصی، ولی، قیم و سرپرست یتیم، معین و انتخاب می شوند نسبت به آن مسؤولیت دارند.

حتی در آیه ای از قرآن به طور مستقیم به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خطاب می فرماید:

«فَأَمّا الْیتِیمَ فَلَا تَقْهَرْ»؛(۱)

حال که چنین است یتیم را تحقیر مکن.

نه تنها نباید به یتیم، ظلم و ستم کرد، و از او و اموال و دارایی او سرپرستی و نگهداری کرد، و از دست درازی به آن خودداری نمود؛ بلکه باید او را تحت حمایت خود گرفت تا ناراحتی اش فقط غم از دست دادن پدر و مادر باشد نه چیز دیگری.

خوردن مال یتیم از گناهان کبیره و بزرگی است که خداوند متعال در

۱- ۸۷. سوره ضحی، آیه ۹.

قرآن کریم و در آیات متعدد به آن وعده عذاب داده و از آن به خوردن آتش تعبیر نموده است:

«إِنَّ الَّذِينَ يأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيتامَى ظُلْماً إِنَّما يأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ ناراً وَسَيصْلَوْنَ سَعِيراً»؛(۱)

«کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، (در حقیقت،) تنها آتش می خورند؛ و بزودی در شعله های آتش (دوزخ) می سوزند».

در آیه دیگر تهدید می فرماید که حتی به فکر خوردن مال یتیم و نزدیک شدن به آن هم نباشید:

«وَلَا تَقْرَبُوا مالَ الْيتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِي أَحْسَنُ حَتَّى يبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ....»؛(۲)

«و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد! و حق پیمانه و وزن را بعدالت ادا کنید!...».

یک گناه و دو عقوبت:

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

خداوند در خوردن مال یتیم، دو عقوبت قرار داده است: یکی اخروی که آتش است و دیگری دنیوی که دیگران نیز به یتیمان او ستم خواهند کرد؛ چنان که در آیه شریفه آمده:

۱- ۸۸. سوره نساء، آیه ۱۰.

۲- ۸۹. سوره انعام، آیه ۱۵۲؛ همچنین است آیه شریفه ۳۴ سوره اسرا.

«وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيةً ضِعافاً خافُوا عَلَيهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيقُولُوا قَوْلًا سَدِيداً»؛(1)

«کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود به یادگار بگذارند از آینده آنان می ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند».

و در جای دیگر ضمن برشمردن هفت گناه کبیره بزرگ، یکی از آن ها را خوردن مال یتیم فرمودند.

خوانندگان محترم توضیحات بیشتر در این باره را می توانند در کتاب گناهان کبیره شهید آیت اللّه دستغیب مطالعه کنند.

۱- ۹۰. سوره نساء، آیه ۹.

فساد و فحشا نکردن

«و لا یفْسقُوا بِغُلامٍ»

در این بنـد از بیعت نـامه آمـده است: «و لاـ یفسـقوا بغلام»؛ با هیـچ جوانی فساد نکننـد. به احتمال زیاد مراد از این گناه، همان همجنس بازی مردان با یکدیگر و لواط است که در هر دوره ای به نحوی شیوع داشته و البته در همه ادیان الهی، حرام بوده و دارای مجازات دنیوی و عقوبت اخروی شدیدی می باشد.

یکی از جوامع گذشـته که در انجـام این عمـل خلاف انسانی و حیوانی معروف بودنـد، قوم لوط است که خداونـد متعال عمل آنان را به شـدت تقبیـح نموده و آن را نوعی اسـراف قلمداد کرده و بالاخره آنان را در همین دنیا مجازات نموده است ، آیات شریفه در این زمینه چنین است که می فرماید:

«وَلُوطاً إِذْ قالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفحِشَهَ ما سَبَقَکُم بِها مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعالَمِینَ»؛«إِنَّکُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ شَـهْوَهً مِّن دُونِ النِّسَآءِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ»؛(۱)

«و (به خاطر آوریـد) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسـیار زشتی را انجام می دهیـد که هیچیک از جهانیان، پیش از شـما انجام نداده است؟! آیا شـما از روی شـهوت به سـراغ مردان می روید، نه زنان؟! شما گروه اسرافکار (و منحرفی) هستید»!

ص:۸۴

۱- ۹۱. سوره اعراف،آیه ۸۰ و ۸۱.

شما که می توانید از راه قانونی و عقلی و شرعی وارد شوید و همسری برای خود انتخاب کنید، چرا بر خلاف طبیعت حرکت می کنید؟!

«أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعالَمِينَ»؛ «وَتَذَرُونَ ما خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عادُونَ»؛(۱)

«آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می روید (و همجنس بازی می کنید، آیا این زشت و ننگین نیست؟!) و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می کنید؟! (حقّاً) شما قوم تجاوزگری هستید»!

حال که چنین کردید و به هشدارهای ما توجّه نکردید و تهدیدهای ما را جدی نگرفتید، آماده عذاب باشید که امر ما می آید:

۱ - «فَلَمّا جَآءَ أَمْرُنا جَعَلْنا عالِيها سافِلَها وَأَمْطَرْنا عَلَيها حِجارَةً مِّن سِجّيلٍ مَّنضُودٍ»؛(۲)

«و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، آن (شهر و دیار) را زیر و رو کردیم؛ و بارانی از سنگ [گِل متحجر] متراکم بر روی هم، بر آن ها نازل نمودیم...».

۲ - «ثُمَّ دَمَّرْنا الْأَخَرِينَ»؛(۳)

«سپس بقیه را نابود کردیم»!

۳ - «وَأَمْطَرْنا عَلَيهِم مَّطَراً فَانظُرْ كَيفَ كانَ عِقبَةُ الْمُجْرِمِينَ»؛(۴)

ص:۸۵

۱- ۹۲. سوره شعراء، آیه ۱۶۵ و ۱۶۶.

۲- ۹۳. سوره هود، آیه ۸۲.

۳- ۹۴. سوره صافات، آیه ۱۳۶.

۴- ۹۵. سوره اعراف، آیه ۸۴.

«و (سپس چنان) بارانی (از سنگ) بر آن ها فرستادیم؛ (که آن ها را در هم کوبید و نابود ساخت) پس بنگر سرانجام کار مجرمان چه شد»!

در دوران معاصر نیز خصوصاً در کشورهای غربی و غیر اسلامی؛ اگرچه خود را متمدن و پیشرفته می دانند؛ لکن در این زمینه متأسفانه به ارتجاعی ترین اعمال گذشتگان بر گشته اند و کاری می کنند که حیوانات هم از آن ابا دارند.

به چند حدیث در این زمینه توجّه نمایید:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«حرمه الدبر اعظم من حرمه الفرج، انّ اللّه تعالی اهلک اُمه لحرمه الدبر و لم یهلک احداً لحرمه الفرج»؛(۱)

«حرمت لواط از حرمت زنا بیشتر است؛ چرا که خداوند قومی را به سبب این گناه، هلاک و نابود کرده امّا برای زنا چنین نکرده است».

امام رضاعلیه السلام فرمودند:

«و اتّق الزنا و اللواط و هو اشدّ من الزنا (والزّنا اشدّ من اللواط) و هما یورثان صاحبهما اثنین و سبعین داء فی الدنیا و الاخره»؛(۲)

«از زنا دوری کنید و نیز از لواط که بدتر از زناست (و زنا نیز بدتر از لواط است)، همانا این دو گناه، هفتاد نوع مرض و عقوبت را برای کننده اش باقی می گذارد، در دنیا و آخرت».

۱- ۹۶. اصول کافی، ج ۵، ص ۵۴۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۲۹؛ بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۷۱.
۲- ۹۷. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۴۹.

گناه لواط آنقدر مهم و کبیره است که حتی بسیاری از مقدمات آن هم به شدت تحریم شده؛ همانند: نگاه شهوتی به جوان و بوسیدن او، خوابیدن دو مرد عریان در زیر یک لحاف، ...

مجازات گناه لواط هم تقریباً سخت تر و شدیدتر از زناست؛ یعنی باید آن دو نفر (فاعل و مفعول) کشته شوند، چه به وسیله شمشیر یا سنگسار کردن و یا زنده زنده در آتش سوزاندن و یا از بالای کوه با دست و پای بسته، پرت کردن.

البته به شرطی که چهار مرد عادل گواهی بدهند یا خودش اقرار کند.

شخص لواط کننده به قوم لوط ملحق می شود؛ حتی جسد او.(۱)

همچنین فاعل نمی تواند بعداً با مادر یا خواهر یا دختر مفعول ازدواج کند؛ بلکه حرام ابدی می شود.(۲)

ص:۸۷

---

۱ – ۹۸. جلد یک گناهان کبیره شهید دستغیب، داستانی نقل می کند که در زمان امام، بعد از مردن و دفن چنین شخصی، قبر او را شکافتند و او را در قبرش ندیدند و امام فرمود جسد او را هم به قوم لوط ملحق کردند.

۲ – ۹۹. از امام رضاعلیه السلام نقل شده است: هرکه با پسری لواط کند حدّش آن است که یا او را به آتش بسوزانند، یا دیواری بر سرش خراب کنند، یا شمشیری بر آن بزنند که کشته شود و خواهر و مادر آن پسر بر آن مرد حرام می شوند و در قیامت او را به حلق بکشند در کنار جهنّم، تا حق تعالی از حساب خلایق فارغ شود، پس او را در آتش اندازند، پس در هر طبقه ای از طبقات جهنّم او را عذاب کنند تا به آخر طبقات جهنّم برسد. و لواط بدتر از زناست زیرا که حق تعالی امتی را به زنا هلاک نکرد و به لواط، شهری چند را هلاک کرد. {حلیه المتقین}

شراب نخوردن

«و لا يشربُوا الخَمْرَ»(۱)

در بین گناهان، کمتر موردی داریم که آیه شریفه قرآن به این صـراحت، هم به نجاست و هم به حرمت آن تأکید و هم اشاره ای به فلسـفه حکم آن کرده باشد؛ چنان که در موضوع خمر در این آیات، هم می فرماید پلید و نجس است و هم امر می کند که از آن دوری کنید؛ چون این کار موجب کینه و عداوت و دوری از خدا و یاد او می شود. به آیه شریفه توجّه کنید:

«يأَيها الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّما الْخَمْرُ وَالْمَيسِرُ وَالْأَنصابُ وَالْأَزْلامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيطانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * إِنَّما يرِيدُ الشَّيطنُ أَن يوقِعَ بَينَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ فِى الْخَمْرِ وَالْمَيسِرِ وَيصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَواهِ فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ»؛(۲)

ای کسـانی که ایمان آورده ایـد! شـراب و قمار و بت ها و ازلام [نوعی بخت آزمایی]، پلیـد و از عمل شـیطان است، از آن ها دوری کنید تا رستگار شوید! شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید،) خودداری خواهید کرد؟!

ص:۸۸

۱- ۱۰۰. در این نسخه «لایشربوا الخمر» است و در یک نسخه «لایشربوا مسکراً» می باشد.

۲- ۱۰۱. سوره مائده، آیه ۹۰ و ۹۱.

همچنین درآیه ۲۱۹ سوره بقره به کبیره بودن این گناه تصریح کرده و فرموده:

«...یسْلُونَکَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَیسِرِ قُلْ فِیهِما إِثْمٌ کَبِیرٌ وَمَنافِعُ لِلنّاسِ وَإِثْمُهُما أَکْبَرُ مِن نَّفْعِهِما...»؛

«درباره شراب و قمار از تو سؤال می کننـد، بگو: «در آن ها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آن ها از نفعشان بیشتر است... .»

آثار سوء بهداشتی و اخلاقی این گناه بسیار فراوان بوده که هم روح و روان انسان و هم جسم و تن او را نابود می کند؛ شراب خواری مادرِ همه گناهان است؛ چون در حال مستی که عقل او از کار می افتد، ممکن است به هر کاری دست بزند. چه مفاسدی که در بدن به وجود می آورد، چه مضرّات اخلاقی که از بدزبانی و بداخلاقی، از انواع جنایت ها و هتک حرمت ها، کارهای غیر قانونی و غیر شرعی به هنگام مستی به وجود می آید.(۱)

در این مورد روایات و احادیث فراوانی از معصومین علیهم السلام در نجاست، حرمت و مذمت خوردن و لعن خورنده آن وارد شده که فقط به یک نمونه حدیث از پیامبر خداصلی الله علیه وآله اکتفا می کنیم:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله:

«لعن اللّه الخمر و غارسها و عاصرها و شاربها و ساقیها و بایعها و مشتریها و آکل ثمنها و حاملها و المحموله الیه»؛(۲)

۱- ۱۰۲. در این مورد برای اطلاع از فلسفه و علت حرمت این گناه و آثار و مضرات آن می توانید به طور مفصل در کتاب جلد یک گناهان کبیره شهید آیت اللّه دستغیب مطالعه کنید.

۲- ۱۰۳. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۸؛ وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۲۴؛ بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۳۰؛ امالی شیخ صدوق، ص ۴۲۴.

«خدا لعنت کرده است شراب را، و غرس کننده درخت آن را و سازنده و تهیه کننده آن را و خورنده آن را، و ساقی آن را، و فروشنده آن را، و خریدار آن را، و خورنده پول آن را، و حمل کننده آن را، و آن که شراب برای او حمل می شود را»!

در برخی دیگر از احادیث آمده است:

شرابخوار به بهشت وارد نمی شود.

به چنین شخصی نباید سلام کرد.

هر که شراب بخورد و تا فاصله چهل روز بعد از آن بمیرد، بت پرست مرده است.

نشستن و غذا خوردن در سفره ای که شراب گذاشتند و یا قرار است بعداً در آن شراب بخورند نیز حرام است.

هرکه شراب بخورد تا چهل روز نمازش مقبول نیست(۱) و اگر بمیرد و در شکمش از شراب چیزی باشد، بر خدا لازم است که بخوراند به او از چرک شکم زناکاران را که در جهنم جوشانده باشند... .(۲)

مراجع تقلید نیز تماماً در رساله های خود این مسئله را بیان کردند و هیچ رساله ای را نخواهید دید که از این حکم خالی باشد:

مسئله: شراب و هر چیزی که انسان را مست کند؛ چنانچه به خودی خود روان باشد، نجس است... .

ص:۹۰

۱- ۱۰۴. البته که این هم نوعی مجازات است؛ یعنی اولاً وظیفه دارد نماز بخواند، ثانیاً نمازش پذیرفته نخواهد شد، نه این که تا چهل روز نباید نماز بخواند که اگرنخواند باز جریمه ومجازاتش دو برابر می شود.

۲- ۱۰۵. حلیه المتقین و سایر کتب حدیثی.

در امانت خیانت نکردن

«و لا یخُونُوا أمانَهً»

اگر کسی به دیگری اعتماد کند و چیزی را به رسم امانت به وی بسپارد، باید در حفظ آن بکوشد. امانت داری و خیانت نکردن در آن، یکی از دستورات اسلامی است که یک انسان مسلمان لازم است نسبت به همه رعایت کند؛ چه برای مسلمان و چه برای غیر مسلمان، هیچ استثنایی ندارد، همان طور که در آیه شریفه نیز به آن اشاره شده است:

«إِنَّ اللَّهَ یأْمُرُکُمْ أَن تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلَی أَهْلِها...»(۱)

خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید!... .

و پیامبر ما نیز حتی از قبل از بعثت و در بین مشرکان، به جهت راستی و درستی کردار و امانت داری، به «محمّد امین» معروف بود و هر که؛ حتی مشرکانی که دین و مذهب او را قبول نداشتند نیز هر چیز باارزشی داشتند به وی می سپردند.

آری هر امانتی را باید به صاحب آن بازگرداند، چه امانت مادی و چه معنوی، چه امانت مردم و چه امانت خدا و رسولش و امانت امامت.

«إِنّا عَرَضْنا الْأَمانَهَ عَلَی السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبالِ فَأَبَینَ أَن یحْمِلْنَها وَأَشْفَقْنَ مِنْها وَحَمَلَها الْإِنسانُ إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولًا»؛(۲)

«ما امانت (تعهّد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمان ها و زمین

۱- ۱۰۶. سوره نسا، آیه ۵۸.

۲- ۱۰۷. سوره احزاب، آیه ۷۲.

و کوه ها عرضه داشتیم، آن ها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند؛ امّا انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود، (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد)!

و لذا در هیچ امانتی نباید خیانت کرد:

«یا أَیهَا الَّذِینَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَماناتِکُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ»(۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که میدانید (این کار، گناه بزرگی است)!

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

«أدِّ الامانه الی مَن ائتمنک ولا تخُن مَن خانک؛(۲)

امانت داری کن نسبت به آن که با تو امانت داری کرده، و خیانت نکن؛ حتی نسبت به کسی که به تو خیانت کرده است».

و در جای دیگر فرمودند:

«لا ایمان لمن لا أمانه له؛

کسی که امانت دار نیست ایمان ندارد».

همچنین فرمود:

«المکر والخدیعه والخیانه فی النار»؛(۳)

«عاقبت مکر و نیرنگ و خیانت، دخول در آتش است».

۱- ۱۰۸. سوره انفال، آیه ۲۷.
۲- ۱۰۹. نهج الفصاحه کلمات رسول خداصلی الله علیه وآله.
۳- ۱۱۰. نهج الفصاحه کلمات رسول خداصلی الله علیه وآله.

خلاف عهد نکردن

«و لا یخلُفُوا العَهْدَ»

یاران امام زمان علیه السلام با آن حضرت بیعت می کنند که به عهد و پیمان ها پایبند باشند و در آن تخلف نکنند.

از این که می گوید با هیچ عهدی مخالفت نکند و هیچ پیمانی را نشکند، معلوم می شود که عهد و پیمان ها، انواع و اقسامی دارد، به این صورت که گاه انسان با مردم عهد و پیمان می بندد، گاه با خودش و گاه نیز با خدای خودش.

عهد انسان با خداوند که مهم ترین عهدها می باشد، همان عهدی است که خدا از انسان ها برای عبادت و پرستش اخذ کرده است:

۱ - «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِی آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّیتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَی أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّکُمْ قالُوا بَلَی شَهِدْنا أَن تَقُولُوا یوْمَ الْقِیامَهِ إِنّا کُنّا عَنْ هذا غافِلِینَ»؛(۱)

و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آن ها را برگرفت؛ و آن ها را گواه بر خویشتن ساخت؛ (و فرمود:) «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می دهیم!» (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویید: «ما از این، غافل بودیم؛ (و از پیمان فطری توحید بی خبر ماندیم)»!

۲ - «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَیکُمْ یابَنِی آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّیطانَ إِنَّهُ

۱- ۱۱۱. سوره اعراف، آیه ۱۷۲.

لَکَمْ عَدُوٌّ مُّبِینٌ * وَأَنِ اعْبُدُونِی هذا صِرَاطٌ مُّسْتَقِیمٌ»؛(۱)

آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟! و این که مرا بپرستید که راه مستقیم این است؟!

و در آیات متعددی ضمن یادآوری این عهد و پیمان، نقض و شکستن آن را به شدت تقبیح و بر آن وعده عذاب می دهد:

«الَّذِینَ ینقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِیثاقِهِ وَیقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن یوصَلَ وَیفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ أُولَئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ»؛(۲)

فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن، می شکنند؛ و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده، و در روی زمین فساد می کنند؛ این ها زیانکارانند.

انسان گاه با خودش هم عهد می بندد؛ کار خلافی کرده عهد می کند که دیگر آن را انجام ندهد؛ گناهی مرتکب شده با خودش پیمان می بندد که دیگر سراغ آن نرود. در این گونه موارد وجدان این شخص است و خودش و خدایش که چگونه عهد و پیمان خود را پاس بدارد. اگر کسی باشد که از هویت و شخصیت بالا و محکمی برخوردار است حتماً بر سر قول و قرار خود خواهد ایستاد؛ امّا اگر فردی سست اراده

۱- ۱۱۲. سوره یس، آیه ۶۰ و ۶۱.

۲- ۱۱۳. سوره بقره، آیه ۲۷ و نیز سوره های مائده،آیه ۱۳؛ رعد، آیه ۲۵؛ نمل، آیه ۹۱؛ اسراء، آیه ۳۴.

باشد، و از ایمان قوی برخوردار نباشد، باکی ندارد که قرار خودش را زیر پا بگذارد.

لکن آنچه که ظاهراً از همه مهم تر است و نمود بیشتری دارد، پیمان شکنی با مردم است؛ آن گاه که با کسی قراری می گذارد باید سر قرار حاضر شود.

هر کسی یا باید وعده ای نگذارد، که اگر وعده داد باید به وعده اش وفا نماید؛ و هر فردی یا باید با کسی عهد و پیمان نبندد که اگر پیمان بست باید بر سر پیمانش بایستد. وعده و عهد وپیمان، یک قرارداد دو طرفه است که باید هر طرف به طرف مقابل خود احترام بگذارد؛ اگر به وعده ها عمل نشود هیچ کسی به دیگری اعتماد نمی کند؛ به هیچ قول و قراری اطمینان نخواهد شد؛ هیچ امیدی به زندگی سالم اجتماعی نخواهد بود؛ کسی نمی داند فردایش چه می شود، ارتباط با دیگران چگونه خواهد شد. به همین جهت فرموده اند همه باید به عهد و پیمان خود پایبند باشند و کسی حقّ خُلف وعده ندارد. آیه شریفه در این زمینه می فرماید:

«یا أَیها الَّذِینَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...»؛(۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمان ها (و قراردادها) وفا کنید!...

صریحاً امر می نماید که اگر مؤمن هستید به عهد خود وفا کنید و لذا در آیه دیگری وفای به عهد یکی از صفات متقین و پرهیزکاران شمرده

۱- ۱۱۴. سوره مائده، آیه ۱.

شده است.(۱) و حتی نسبت به دشمنان نیز تأکید شده است.(۲)

در این زمینه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

۱ - «... ولاتواعِدْ عَلی أخیکَ مَوْعِداً فَتُخْلِفَهُ؛(۳)

با برادر دینی ات وعده ای نگذار که از آن تخلف کنی».

۲ - «اَلْعِدَهُ دَینٌ، وَیلٌ لِمَنْ وَعَدَ ثُمَّ أَخْلَفَ، وَیلٌ لِمَنْ وَعَدَ ثُمَّ أَخْلَفَ، وَیلٌ لِمَنْ وَعَدَ ثُمَّ أَخْلَفَ.(۴)

وعده نوعی دین و تعهد است، وای بر کسی که وعده دهد و سپس خلف وعده نماید، وای بر کسی که وعده دهد ولی خلف وعده نماید، وای بر کسی که وعده دهد ولی خلف وعده نماید!

۳ - «مَنْ کانَ یؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْیوْمِ الآخِرِ فَلْیفِ إِذَا وَعَدَ»؛(۵)

هرکسی به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید به وعده ای که می دهد عمل نماید.

به این حدیث امام صادق علیه السلام نیز توجّه کنید که فرموده است:

«عِدَهُ الْمُؤْمِنِ أَخاهُ نَذْرٌ لا کَفَّارَهَ لَهُ فَمَنْ أَخْلَفَ فَبِخُلْفِ اللَّهِ بَدَأَ وَلِمَقْتِهِ تَعَرَّضَ وَذَلِکَ قَوْلُهُ یا أَیها الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ کَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا ما لا تَفْعَلُونَ»؛(۶)

وعده دادن مؤمن به برادر ایمانی اش، مانند نذری است که کفاره ندارد، هر که خلف وعده کند به تخلف از خدا آغاز

۱- ۱۱۵. سوره بقره، آیه ۱۷۷.

۲- ۱۱۶. سوره انفال، آیه ۷۲؛ و نسا، آیه ۹۰.

۳- ۱۱۷. نهج الفصاحه کلمات رسول خداصلی الله علیه وآله.

۴- ۱۱۸. همان.

۵- ۱۱۹. اصول کافی، باب خلف وعده، ج ۵، ص ۳۴۸.

۶- ۱۲۰. سوره صف، آیه ۱ و ۲.

کرده و به دشـمنی او درآویخته و چنین است سـخن خداوند که فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گویید که عمل نمی کنید؟! نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی کنید!».(۱)

۱- ۱۲۱. اصول کافی، باب خلف وعده، ج ۵، ص ۳۴۷.

مواد غذایی را احتکار نکردن

«و لا یحْبِسُوا طَعاماً مِنْ بُرٍّ أوْ شَعِیرٍ»

امنیت غذایی یکی از مهم ترین مؤلّفه های هر جامعه ای است. شکم گرسنه را چیزی جز غذای مناسب نمی تواند جواب دهد و هیچ چیزی نمی تواند جایگزین آن شود؛ نه با پول و مقام می توان شکم گرسنه را سیر کرد، و نه با زور و سلاح. مواد غذایی روی زمین هم نه این که محدود باشد بلکه خداوند متعال که روزی رسان همه خلایق، از انسان و حیوان و چرنده و پرنده است،(1) برای همه آن ها به اندازه لازم فراهم نموده است؛ لکن در این بین ممکن است برخی افراد پیدا شوند که حقّ و روزی سایر افراد را مانع شده و انبار و احتکار نمایند که این گناهی بس بزرگ بوده، بلکه اعلان جنگ با خداست.

لذا در یک جامعه انسانی؛ بخصوص اسلامی، هر کسی وظیفه دارد که هم در تولید مواد غذایی تلاش و کوشش کند و هم در توزیع و جلوگیری از احتکار و انبار آن، مردم را از نگرانی و ناامنی غذایی برهانند.

ص:۹۸

---

۱ – ۱۲۲. وَما مِن دَآبَّةٍ فِی الْأَرْضِ إِلَّا عَلَی اللَّهِ رِزْقُها وَیعْلَمُ مُسْتَقَرَّها وَمُسْتَوْدَعَها كُلٌّ فِی كِتابٍ مُّبِینٍ»هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر این که روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند؛ همه این ها در کتاب آشکاری ثبت است! [در لوح محفوظ، در کتاب علم خدا]؛ سوره هود، آیه ۶.

پناهنده را نکشتن

«و لا یقْتُلوا مُسْتأمِناً»

مسئله امان دادن و پناهندگی، یکی از مصادیق عهد و پیمان است که به جهت اهمیت آن به طور مستقل در این بیعت نامه به آن پرداخته شده است. اگر کسی به علت ترس از دشمن یا برای تحقیق و یا هر نوع مشکل دیگری به شما مراجعه و پناه بیاورد، بزرگواری و کرم شما را قبول کرده، به شما اطمینان نموده و خود را در اختیار شما قرار بدهد، شما نیز باید به حسن اعتماد وی پاسخ داده، او را از هر لحاظ در پناه خود بگیرید.

در این مورد آیه شریفه می فرماید:

«وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ اسْتَجارَکَ فَأَجِرْهُ حَتَّی یسْمَعَ کَلامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا یعْلَمُونَ»؛(۱)

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)! سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آن ها گروهی ناآگاهند!

این یکی از اصول انسانی و حقوق بشری است که اسلام نیز آن را امضا نموده و بر آن مهر تأیید زده است.

۱- ۱۲۳. سوره توبه، آیه ۶.

شکست خورده را تعقیب نکردن

«و لا یتبِعُوا مُنْهَزِماً»

هر بازی و هر کاری، مقرراتی دارد و دارای ضوابط وقواعد مخصوص به خود است؛ همان طور که صلح و آشتی دارای قانون و مقررات است، جنگ و کشتار هم قواعد خاصی دارد که همه به آن پایبندند؛ مانند نحوه شروع جنگ، زمان و مکان جنگ، محدوده آن، حقوق اسیران و مجروحان، کودکان و زنان،...

در زمان های قدیم به این موارد اهمیت زیادی می دادند؛ یعنی اگرچه مردها با هم جنگ داشتند؛ امّا به زنان و کودکان کاری نداشتند، یا اگر در میدان نبرد به رزم و کشتار می پرداختند، امّا آن گاه که جنگ پایان می پذیرفت، دیگر شمشیر را کنار می گذاشتند، اگرچه در این زمان و با این سلاح ها و موشک ها و بمب ها، آن قواعد هم به هم خورده و کوچک و بزرگ، و زن و مرد نمی شناسد.

یکی از این قواعد و مقررات در جنگ این است که اگر فردی شکست خورد و پشت به میدان کرد و فرار نمود و از کرده خود پشیمان شد، دیگر به تعقیب او نرود؛ البته پر واضح است که به شرطی که قصد مکر و حیله و یا تجدید قوا و حمله مجدّد نداشته باشد.

ص:۱۰۰

خونی را به ناحقّ نریختن

«و لا یسْفِکُوا دَماً»

«سَـفک دَمْ» یعنی خون ریزی کردن؛ در یکی از بندهای این بیعت نامه اشاره شد(۱) که کسی حقّ ندارد فردی را بی جهت به قتـل برسانـد، در اینجا نیز چنین می فرمایـد که نبایـد خونی را بی جهت بریزنـد و یا خونریزی کننـد. ظاهراً مراد از اوّلی، قتل و کشـتن عـادی و عمـدی و بی دلیل در جامعه است و مقصود از دومی، کشـتن و خون ریختن در جنگ می باشـد؛ یعنی اگرچه میدان جنگ، جنگ است و بحث کشـتن وکشـته شدن مطرح است؛ ولی همانجا هم نباید انسان مسلمان به گونه ای رفتار کند که خُلق و خوی خونریزی پیدا کند(۲) و یا از این که کسی را می کشد و خونی را می ریزد لذت ببرد.(۳)

از امام علی علیه السـلام نقل شده که در جنگ و هنگام کشـتن دشـمن، تا چند پشت و نسل او را هم می دید که آیا مسلمان و مؤمنی به وجود خواهد آمد یا نه، آن گاه او را می کشت.

ص:۱۰۱

۱- ۱۲۴. در عنوان «آدم کشی نکردن» صفحه ۵۶.

۲- ۱۲۵. چنان که فرشـتگان خـدا هنگام خلقت انسان، یک روی سـکه را دیدنـد و گفتنـد: «...قالُوا أَتَجْعَلُ فِیها مَن یفْسِـدُ فِیها وَیسْـفِکُ الدِّمآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَنُقَدِّسُ لَکَ قالَ إِنِّی أَعْلَمُ ما لَا تَعْلَمُونَ»؛ «... فرشتگان گفتند: «پروردگارا!» آیا کسی را در آن قرار می دهی که فساد و خونریزی کنـد؟! {زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشـتند نیز، به فساد و خـونریزی آلـوده شدنـد. اگر هـدف از آفرینش این انسـان، عبـادت است،} مـا تسبیـح و حمـد تو را به جـا می آوریم، و تو را تقدیس می کنیم». پروردگار فرمود: «من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید». سوره بقره، آیه ۳۰.

۳- ۱۲۶. و فرشـتگان نیز در ابتدای خلقت انسان، همین خوی برخی از افراد را در نظر داشـتند که به خداوند عرض کردند: می خواهی کسانی را خلق کنی که خون ریزی می کنند؟ و خدا فرمود خودم بهتر می دانم: «... أَتَجْعَلُ فِیها مَن یفْسِدُ فِیها وَیسْفِکُ الدِّمآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَنُقَدِّسُ لَکَ قالَ إِنِّی أَعْلَمُ ما لَا تَعْلَمُونَ»؛ سوره بقره، آیه ۳۰.

به شخص مجروح حمله نکردن

«و لا یجَهِّزوا عَلی جَریحٍ»

همـان طور که در پیشتر گفته شـد(۱) هر کـاری از جمله جنـگ و مبـارزه دارای قـانون مخصوص خود است. یکی از مقررات انسـانی و اسـلامی در جنگ این است که به اسیر نبایـد ظلم کرد، به مجروح که او هم به نوعی اسـیر است نبایـد آزار و اذیت رسانـد، کسـی که بـا پیکری نیمه جـان در گوشه ای افتـاده است، حمله به چنین شخصـی از جوانمردی به دور است. و یـا اگر دست از حمله برداشتند و یا توان ندارند، رحم و فتوت و جوانمردی اقتضا می کند که به او حمله نشود.

همان طور که امام علی علیه السلام به فرماندهان و سربازان خود چنین توصیه هایی را می فرمود.(۲)

و یاران امام زمان علیه السلام نیز بیعت می کنند و تعهّد می سپارند که از این قانون تبعیت نمایند.

ص:۱۰۲

۱- ۱۲۷. در عنوان: «شکست خورده را تعقیب نکردن».
۲- ۱۲۸. آغازگر جنگ نباشـند، آن گاه که دشمن شکست می خورد به دنبال فراری نروند، به مجروحان حمله نکنند و آن ها را نکشـند، وارد خانه ای نشوند، از مال مردم چیزی نگیرند جز آنچه که در لشکرگاه باشد، به زنان متعرض نشوند، کشته ها را مُثله و قطعه قطعه نکننـد، لباس از تن کشـته ها در نیاورنـد و ایشان را لخت و عریان نکنند...؛ اصول کافی، ج ۵، ص ۳۸؛ امالی شیخ مفید، ص ۵۹؛ تحف العقول، ص ۲۹۰، نهج البلاغه، نامه ۱۴؛ غیبت نعمانی؛ الاختصاص، ص ۹۵؛ موسوعه امام علی علیه السلام.

لباس زبر پوشیدن

«و یلبِسُونَ الخَشِنَ مِنَ الثِّیابِ»

برخی از افراد همین که کمی دچار سختی و مشکل می شوند، می گویند امام ظهور کند تا ما راحت شویم و زندگی مرفهی داشته باشیم! فکر می کنند امام که بیایند از همان ابتدا همه چیز آماده است و می گویند بفرمایید! خیر، حضرت که ظهور بفرمایند تازه اوّل جنگ و جهاد است، تازه مبارزه سخت و بی امان شروع می شود، آنقدر باید فداکاری کرد، آنقدر باید سختی کشید، آنقدر باید مرارت چشید که ظالمان و ستمگران سر جایشان بنشینند.

نظیر همین مطلب را یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام معلی بن خُنیس، به گونه دیگری با آن حضرت مطرح کرده و می گوید که به امام عرض کردم: ای کاش حکومت به دست شما می افتاد و ما هم به عیش و نوشی می رسیدیم، امام صادق علیه السلام فرمود:

«وَ اللَّهِ لَوْ کَانَ هَذَا الأَمْرُ إِلَیْنَا لَمَا کَانَ إِلَّا أَکْلُ الْجَشِبِ و لُبْسُ الْخَشِنِ»؛(۱)

«به خدا قسم اگر این امر و حکومت به دست ما بود چیزی جز غذای خشک و لباس خشن نبود»!

و نیز در بیانی دیگر مفضّل بن عمر می گوید که هنگام طواف در خدمت امام صادق علیه السلام بودم، حضرت نگاهی به من کردند و فرمودند: چه شده تو را مغموم و رنگ پریده می بینم؟ گفتم: فدایتان شوم! بنی عباس را می بینم با این امکانات و سلطنت و جبروت، کاش این

ص:۱۰۳

۱- ۱۲۹. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱.

برنامه ها برای شما بود و ما هم در کنار شما بودیم. حضرت فرمودند:

«یـا مُفَضَّلُ أَمَا لَوْ کَانَ ذَلِکَ لَمْ یکُنْ إِلَّا سِیاسَهُ اللَّیلِ و سِیاحَهُ النَّهَارِ و أَکْلُ الْجَشِبِ و لُبْسُ الْخَشِنِ شِبْهَ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ و إِلَّا فَالنَّارُ فَزُوِی ذَلِکَ عَنَّا فَصِرْنَا نَأْکُلُ و نَشْرَبُ...»؛(۱)

«ای مفضّل! بـدان که اگر چنین بود، چیزی جز بیـداری در شب، فـداکاری در روز، غـذای خشک و لباس خشن نبود، همانند زنـدگی امیرالمـؤمنین علیه السـلام که اگر غیر از این باشـد آخرش آتش است. امّـا اکنون این امور از مـا دور است، خوب می خوریم، و خوب می نوشیم...».(۲)

به همین جهت و برای آمـادگی یـاران امام زمان علیه السـلام به سـختی های زمان ظهور، با ایشان بیعت می شود که خود را از تن پروری و راحت طلبی دور بدارند، و غذای چرب و شیرین و لباس نرم را کنار بگذارند.

۱- ۱۳۰. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰.

۲- ۱۳۱. شبیه همین حـدیث را یکی دیگر از اصـحاب به نـام عَمرو بن شـمر نیز نقل کرده است. که امام فرمودنـد: «لَا تَبْکِ یا عَمْرُو نَأْکُلُ أَکْثَرَ الطَّیبِ و نَلْبَسُ اللَّینَ و لَوْ کَانَ الَّذِی تَقُولُ لَمْ یکُنْ إِلَّا أَکْلُ الْجَشِبِ و لُبْسُ الْخَشِنِ مِثْلَ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ عَلِی بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام و إِلَّا فَمُعَالَجَهُ الْأَغْلَالِ فِی النَّارِ»؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰.

خاک را متکای خود قرار دادن

«و یوَسِّدوُن التُّرابَ عَلَی الخُدُودِ»

این که انسان خاک را متکای خود قرار دهد و یا سر خود را روی زمین بگذارد، تعبیر دیگری از ساده زیستی است، و چنانچه بخواهند نهایت سادگی زندگی کسی را و پایین بودن سطح آن را تعبیر کنند، می گویند فلانی خیلی خاکی است.

این خاکی بودن، انسان را به یاد تعبیر رسول خداصلی الله علیه وآله در مورد امیرمؤمنان علیه السلام می اندازد که به جهت زندگی ساده، روی زمین خوابیدن، و زیاد سجده کردن، به آن حضرت لقب «ابو تراب» را دادند. او در حالی به کمترین امکانات قناعت کرد که در همان زمان، دیگرانی مانند معاویه بودند که در کاخ های آن چنانی به زندگی اشرافی می پرداختند.

این که خاک را متکای خود قرار دهد؛ یعنی لازم نیست حتماً روی تشک های گرم و نرم بخوابد، قالی ها و فرش های رنگارنگ ضرورتی ندارد، وقتی انسان می تواند با وسایل ابتدایی و ساده هم، زندگی آرام و بی دردسری داشته باشد چرا خود را و عمر خود را و زندگی و آسایش خود را برای به دست آوردن وسایل مادی زندگی از دست بدهد؟!

یاد بیاوریم فرمایش آن امام عزیز و خمینی بزرگ را که همگان را نصیحت می کرد و می فرمود «زی طلبگی» داشته باشید؛ یعنی همانند یک طلبه ای که تازه از شهر و دیار خود کوچ می کند و به حوزه علمیه وارد می شود، غیر از چند کتاب و یک دست لباس و چند ظرف و گلیم و پتو چیز دیگری ندارد و هیچ تعلقی به دنیا نسپرده است.

ص:۱۰۵

و او که خود رهبر میلیون ها مسلمان و آزاده سراسر جهان بود، او که میلیاردها پول و ثروت در اختیارش بود و اگر اراده و اشاره می کرد، جان ها بود که نثارش می شد، پیش از همه و بیش از همه به این نصیحت عمل کرد و زی طلبگی خود را کنار نگذاشت و به حداقل امکانات اکتفا نمود. درود خدا بر او و یادش به خیر باد!

همو که قلمی را بر روی کاغذ لرزاند و هزاران جانِ شهادت طلب را به سوی جبهه ها روان ساخت تا خون خود را پای درخت اسلامِ عزیز جاری سازند. او که بیانش حکایت گر سیره رسول اللّه صلی الله علیه وآله بود و رفتارش تصویرگر گفتار ائمه دین علیهم السلام. قلم و بیان آن مدافع راستین اسلام عزیز، ابّهت دو اَبَر قدرت را تا قیام قیامت شکست. فرهنگ جهاد و شهادت را زنده نمود، نقش خون را از بستر خفته ملت ها بیدار ساخت، و فریاد بلند آزادی ملت ها را سر داد که ای آزادی خواهان جهان! اگر مصلحی در راه است باید خود را آماده ساخت و باید خود را برای حکومت آن عدل مجسّم مهیا نمود.

الحق و الانصاف یک منادی امامِ زمانی بود که خود را برای پا در رکاب بودن آقا آماده ساخت و جامعه اسلامی را از خواب غفلت بیدار کرد و نام عزیز زهراعلیهما السلام را در اذهان زنده ساخت. به امید روزی که مأمومین آن امام، همانند او خودساخته شوند و در رکاب امام عصرعلیه السلام قیام نمایند.

ص:۱۰۶

نان جو خوردن

«و یأكُلونَ الشَّعِیرَ»

ظاهراً در دوره ای از زمان ها بوده که گندم و آرد و نان گندم، مانند امروز خیلی مرسوم نبوده و طبق نقل تاریخ و بیان گذشتگان، دسترسی و تهیه نان گندم بسیار دشوار بوده است.(۱) و فقط افراد بالای جامعه می توانستند از آن استفاده کنند و اکثر مردم جامعه، از سطح متوسط به پایین، بیشتر نان جو می خوردند که آن هم ظاهراً سخت و نامرغوب بوده است.

حال در این بند از بیعت نامه تأکید شده که یاران امام زمان علیه السلام باید سطح زندگی و خوراك خود را در سطح متوسط جامعه و پایین تر از آن قرار دهند.

دوستان و یاران حضرت، بیعت می کنند که همانند اکثریت مردم غذا بخورند، نه این که از بهترین غذاهای چرب و شیرین استفاده کنند، در حالی که در همسایگی آنان و در حاشیه شهر و دیار خود، افرادی باشند که به نان شب خود نیز محتاج هستند.

ص:۱۰۷

۱- ۱۳۲. چنان که از احترام و تقدیس آن که توسط پیشینیان به عمل می آمده نیز معلوم می شود، نه مثل حالا که نان گندم در حدّ وفور و ارزان در دسترس همه می باشد و به همین جهت نیز ناشکری و ناسپاسی زیادی نسبت به آن صورت می گیرد.

قناعت کردن و به کم راضی بودن

«و یرضونَ بِالقَلِیلِ»

قناعت ضد صفت حرص است؛ یعنی صفت و حالتی از نفس است که باعث اکتفا کردن به قدر حاجت می باشد. قناعت مرکبی است که انسان را به مقصد اصلی می رساند و سعادت ابدی را برای او به ارمغان می آورد؛ زیرا هر که به قدر ضرورت قناعت کرد و دل را مشغول زواید نکند، همیشه فارغ البال می باشد و حواس او جمع است و تحصیل آخرت برایش آسان می شود.(۱)

قناعت گنجی است که پایان ندارد، قناعت موجب راحتی و آسایش دنیاست، قناعت سبب آسان شدن حساب و کتاب آخرت است. چون روایت شده است که مال دنیا به گونه ای است که در حلال آن حساب است و در حرام آن عقاب می باشد؛ یعنی بر فرض هم که حلال باشد باید پای میز حساب و کتاب حاضر شود.

به چند حدیث در این زمینه توجّه بفرمایید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

«علیکم بالقناعه فانّ القناعه مالٌ لا ینفدُ»؛

سفارش می کنم شما را به قناعت که آن سرمایه پایان ناپذیر است.

«اذا کان عندک ما یکفیک فلا تطلب ما یطغیک»؛(۲)

اگر به اندازه کفایت از مال دنیا داری، به دنبال بیشتر آن نرو که دچار طغیان می شوی.

ص:۱۰۸

۱- ۱۳۳. معراج السعاده، مرحوم نراقی، ص ۳۰۲.

۲- ۱۳۴. نهج الفصاحه کلمات رسول خداصلی الله علیه وآله.

امام باقرعلیه السلام فرمود:

«إِیاکَ أَنْ تُطْمِحَ بَصَرَکَ إِلَی مَنْ فَوْقَکَ فَکَفَی بِما قالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِنَبِیهِ صلی الله علیه وآله: «فَلا تُعْجِبْکَ أَمْوالُهُمْ وَ لا أَوْلادُهُمْ»(۱) وَقالَ: «وَلا تَمُدَّنَّ عَینَیکَ إِلی ما مَتَّعْنا بِهِ أَزْواجاً مِنْهُمْ زَهْرَهَ الْحَیاهِ الدُّنْیا»(۲) فَإِنْ دَخَلَکَ مِنْ ذَلِکَ شَیءٌ فَاذْکُرْ عَیشَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله فَإِنَّما کانَ قُوتُهُ الشَّعِیرَ وَحَلْوَاهُ التَّمْرَ وَوَقُودُهُ السَّعَفَ إِذَا وَجَدَهُ»؛(۳)

بپرهیز از این که در امور مادی به بالاتر از خود توجّه کنی پس تو را کافی است همین سخن خداوند متعالی که به پیامبرش فرمود: زیادی فرزندان و اموال کافران تو را به تعجب نیندازد.

و نیز فرمود: هرگز چشم خود را به نعمت های (مادّی)، که به گروه هایی از آن ها [= کفّار] دادیم، میفکن! و به خاطر آنچه آن ها دارند، غمگین مباش!...

و اگر با این حال چیزی در ذهن و خاطره ات وارد شد زندگانی رسول خداصلی الله علیه وآله را به یاد آور که غذایش نان جو و شیرینی اش خرما و زیراندازش حصیر و لیف خرما بود، همان را هم اگر پیدا می کرد».

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ رَضِی مِنَ اللَّهِ بِالْیسِیرِ مِنَ الْمَعاشِ رَضِی اللَّهُ مِنْهُ بِالْیسِیرِ مِنَ الْعَمَلِ»؛(۴)

۱- ۱۳۵. سوره توبه، آیه ۵۵.

۲- ۱۳۶. سوره حجر، آیه ۸۸.

۳- ۱۳۷. اصول کافی، ج ۴، ص ۴۱۰.

۴- ۱۳۸. اصول کافی، ج ۴، ص ۴۱۲.

«هر که از خدا به اندک معیشتی قناعت کند و راضی شود، خدا هم به اندک عمل از او راضی می شود.

سفارش لقمان به پسرش نیز چنین بوده است:

«یا بنی! کن قنعاً تعیش غنیاً و کن متّقیاً تکن عزیزاً»؛(۱)

ای پسرم! قانع باش تا بی نیاز شوی، و متّقی و پرهیزکار باش تا عزیز و محترم گردی.

از حضرت عیسی علیه السلام نقل شده که فرمود:

«یا معشر الحواریین! ارضوا بِدَنی الدنیا مع سلامه الدین کما رضی اهل الدنیا بِدَنی الدین مع سلامه الدنیا»؛(۲)

ای گروه انصار من! به کم دنیا راضی باشید همراه با سلامت دینتان؛ همان طور که اهل دنیا به کم دین راضی شدند با سلامت دنیا.

یعنی تا جایی دنبال دنیا بروید که به دینتان لطمه ای وارد نشود؛ چون اگر بیشتر وقت خود را برای بدست آوردن دنیا صرف کنید از عمل به دین باز خواهید ماند؛ همان طور که اهل دنیا تا جایی با دین همراهی می کنند که به دنیایشان ضرری نرسد.

۱- ۱۳۹. ارشاد القلوب، ص ۱۱۱.

۲- ۱۴۰. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۳۴.

در راه خدا جهاد و کوشش کردن

«و یجاهِدُونَ فِی اللَّهِ حَقّ جهادِهِ»

هر کاری که برای خدا باشد، آن کار را «للَّهِ» و «فی اللَّه» گویند، هر کاری که در مسیر کسب رضایت خداوند باشد آن را «فی سبیل اللَّه» گویند. و انسان مسلمان باید تلاش کند که تمام کارهایش برای خدا و در راه خداوند و جهت کسب رضایت او باشد و در این راه کمترین مضایقه را روا ندارد، خصوصاً کسی که منتظر حکومت جهانی اسلامی است، و به ویژه کسی که دوست دارد از اصحاب و یاران امام زمان علیه السلام باشد، چنین کسی با امام خود پیمان می بندد که نهایت سعی و تلاش خود را در این راه به کار بگیرد؛ «حقّ جهاده» یعنی آن طور که بایسته و شایسته است به این کار قیام نماید.

بیعت می کنند که: یجاهدون فی اللَّه حقّ جهاده! «جهاد فی اللَّه» آن هم «حقّ جهاده» چنان که آیه شریفه فرموده:

«وَجاهِدُوا فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِه...»؛(۱)

جهاد با «حقّ جهاده» از اوصاف امامان معصوم است که ما هر روز در زیارت نامه هایشان می خوانیم؛ مثلاً به ایشان عرض می کنیم:

اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ، أَشْهَدُ أَنَّکَ جاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَعَمِلْتَ بِکِتابِهِ»؛(۲)

خدایا این بزرگواران در راه تو از هیچ کوششی دریغ نکردند و آنطور که بایسته و شایسته بود در راه تو جهاد و تلاش نمودند.

۱- ۱۴۱. سوره حجّ، آیه ۷۸.

۲- ۱۴۲. مفاتیح الجنان، زیارت امیر المؤمنین علیه السلام.

از خـدا می خواهیم که مـا را از کسانی قرار دهـد که با امام خود پیمان می بندنـد نهایت سـعی و کوشـش خود را در راه خـدا انجام دهنـد؛ یعنی آنجا که قرار است جنگ کننـد، بجنگنـد؛ آنجا که قرار است صـلح کننـد دست نگه دارنـد؛ اگر جایی لازم است، سـکوت کننـد، اگر لازم است فریاد بزنند. آن که کارگر است وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، نیروی نظامی است به تکلیف خود عمل کنـد، پزشک و روحانی است مردم را از بیماری های جسم و جان نجات دهنـد. به موقع عبادت خـدا کنـد، دست فقیر را بگیرد، شـخص بدهکاری را خلاص کند، افتاده ای را بلند نماید، یتیمی را خوشـحال کند، مسجدی را آباد کند، سبب خیر برای دیگران شود.... .

ص:۱۱۲

بوی خوش استعمال کردن

«و یشمُّونَ الطَّیبَ»

انسان مؤمن نه تنها اخلاق و رفتارش طیب و طاهر است و نه تنها غذایش باید طیب و حلال باشد؛ بلکه ظاهر و بوی او نیز باید طیب باشد، بوی او، عرق او، همه باید خوش و عطری باشد.

همان طور که نقل شده، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که الگوی حسنه و عملی همه انسان ها می باشند،(۱) در این زمینه نیز بسیار دقت داشتند، و درصد زیادی از هزینه زندگی ایشان صرف خرید عطر و بوی خوش می شد.

البته در قدیم به جای عطر، روغن می مالیدند که هم بوی خوش داشت و هم از خاصیت دارویی و تقویتی برخوردار بود.(۲)

این دستور اسلامی و قانون خدایی موقعی آثارش نمود پیدا می کند و آشکار می شود که بدانیم یک مسلمان دستور دارد که در هر شبانه روز پنج نوبت نماز بخواند و این عبادت را هم تا حدّ امکان در مسجد و در کنار سایر مسلمانان و به جماعت انجام دهد. بسیاری از شعائر مذهبی به صورت دسته جمعی و در اجتماع مردم برگزار می شود؛ حضور هفتگی در نماز جمعه، نمازهای میلیونی عید فطر و قربان، و مراسم بزرگ حجّ، برخی از اجتماعات میلیونی مسلمانان است که اگر در این زمینه قصور شود، هیچ دو نفری نمی توانند در کنار یکدیگر جمع شوند، و از بوی نامطبوع یکدیگر فرار خواهند کرد.

۱- ۱۴۳. لَّقَدْ كانَ لَكُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كانَ یرْجُوااللَّهَ وَالْیوْمَ الْأَخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِیراً» سوره احزاب، آیه ۲۱.

۲- ۱۴۴. باب ۶ کتاب حلیه المتقین برخی از روغن ها و خاصیت هر کدام را معرفی فرموده است.

لـذا یک مسـلمان و شـیعه امام زمان علیه السـلام بایـد ظاهری آراسـته و با بویی خوش و مطبوع در اجتماع حاضـر شود تا سایر مسلمانان که به او می رسند، از بوی خوش وی مسرور شوند.

پیـامبر اکرم صـلی الله علیه وآله هرگـاه می خواست از منزل بیرون بیایـد، خود را آراسـته می کرد، در آینه نگاه می کرد؛ حتی اگر آینه هم وجود نـداشت در آب نگـاه می کرد و اگر بوی خوش و عطری به ایشـان تعارف می کردنـد، رد نمی فرمود. لـذا مستحب است که اگر بوی خوش و عطر به کسی تعارف کردند، حتماً بپذیرد.(۱)

ص:۱۱۴

۱- ۱۴۵. معانی الاخبار، ص ۷۸.

از پلیدی و نجاست دوری کردن

«و یکْرَهُونَ النَّجاسَهَ»

نجاست و پلیـدی و خباثت یعنی هر آنچه که نفس پاک انسان از آن متنفر و منزجر است. طبع پاک و نفس خـدایی انسان اگر سالم بماند، فقط خواهان طیبات و طاهرات است، طبع او با چیزهای طیب و طاهر و پاک موافقت دارد و از نجاست و خباثت به دور است.

به همین جهت کسی که می خواهد یار و یاور امام زمان علیه السلام باشد، باید طبع و نفس او به گونه ای باشد که از هرگونه نجاست و پلیـدی و آلودگی به دور باشـد؛ چه پلیـدی های ظاهری و چه باطنی؛ چه مادی و چه معنوی؛ از لباس نجس و آلوده بایـد به دور باشد و لباسـش طاهر و پاک باشد؛ از غذای پلید و حرام و نجس دور باشد و لقمه اش طیب و طاهر و حلال باشد؛ زبان خود را به کلمات رکیک و ناشایست، آلوده نکند و از دهانش جز ذکر و یاد و تسبیح خدا و سخن خیر بیرون نیاید؛ ذهن خود را از افکار پلیـد و شیطانی و شـهوانی خالی کنـد، تفکرش سالم باشـد، خیالاتش طاهر باشـد و حـدس و گمان هایش نیز طیب باشد.

همچنان که در آیه شریفه می فرماید:

«فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»؛(۱)

«... از پلیدی های بتها اجتناب کنید! و از سخن باطل بپرهیزید!»

و آیه شریفه دیگر که خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«وَثِیابَکَ فَطَهِّرْ* وَالرُّجْزَ فاهْجُرْ»؛(۲)

«و لباست را پاک کن، و از پلیدی دوری کن».

ص:۱۱۵

۱- ۱۴۶. سوره حجّ، آیه ۳۰.

۲- ۱۴۷. سوره مدثر، آیه ۴ و ۵.

امر به معروف کردن نهی از منکر نمودن

«و یأمرون بالمعروف، و ینهون عن المنکر»

یعنی بـه کارهـای واجب و خیرات دعـوت و امر کردن و از کارهـای حرام و ناشـایست، بـاز داشـتن و نهی کردن، از مهم ترین واجبات الهی امر بمعروف و نهی از منکر است که در چندین آیه از قرآن کریم به آن اشاره شده است:

۱- «وَلْتَکُن مِّنکُمْ أُمَّهٌ یدْعُونَ إِلَی الْخَیرِ وَیأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَینْهَوْنَ عَنِ الْمُنکَرِ وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛(۱)

«باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن ها همان رستگارانند».

و کسـی که به خـدا ایمـان داشـته باشـد، حتمـاً به این وظیفه و واجب دینی خود عمل می کنـد؛ چنان که قرآن کریم نیز آن را یکی از صفات مؤمنان بر شمرده است:

۲- «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیآءُ بَعْضٍ یأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَینْهَوْنَ عَنِ الْمُنکَرِ وَیقِیمُونَ الصَّلَواهَ وَیؤْتُونَ الزَّکَواهَ وَیطِیعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِکَ سَیرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ»؛(۲)

«مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می کنند؛ نماز را برپا می دارند؛

۱- ۱۴۸. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۲- ۱۴۹. سوره توبه، آیه ۷۱.

و زکات را می پردازنـد؛ و خدا و رسولش را اطاعت می کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرارمی دهد؛ خداوند توانا و حکیم است»!

و آنان که این فریضه الهی را انجام می دهند برترین افراد هستند:

۳- «كُنتُمْ خَيرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتابِ لَكانَ خَيراً لَّهُم مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفسِقُونَ»؛(۱)

«شما بهترین امتی بودیـد که به سود انسان ها آفریـده شـده انـد؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنیـد و به خـدا ایمان داریـد. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی،) ایمان آورنـد، برای آن ها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آن ها با ایمانند، و بیشتر آن ها فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار)»

و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز به تصریح قرآن، یکی از کارهای مهم ایشان همین امر به معروف و نهی از منکر بود:

«الَّذِينَ يتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِى الْأُمِّى الَّذِى يجِدُونَهُ مَكْتُوباً عِندَهُمْ فِى التَّوْرَاهِ وَالْإِنجِيلِ يأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَينْهَاهُمْ عَنِ الْمُنكَرِ وَيحِلُّ لَهُمُ الطَّيباتِ وَيحَرِّمُ عَلَيهِمُ الْخَبَئِثَ وَيضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالأَغْلالَ الَّتِى كانَتْ عَلَيهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوابِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِى أُنزِلَ

۱- ۱۵۰. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

مَعَهُ أُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛(۱)

«همان ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آن ها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز میدارد؛ اشیای پاکیزه را برای آن ها حلال می شمرد، و ناپاکی ها را تحریم می کند؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آن ها بود، (از دوش و گردنشان) بر می دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند».

پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام نیز در روایات فراوانی به این دو واجب مهم تأکید نموده اند؛ از جمله امام باقرعلیه السلام فرموده است:

«انّ الامر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصلحاء، فریضهٌ عظیمهٌ بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحل المکاسب، و تردّ المظالم، و تعمر الارض علی و ینتصف من الاعداء، و یستقیم الامر، فانکروا بقلوبکم، والفظوا بالسنتکم، و صکّوا بها جباههم ولاتخافوا فی اللّه لومه لائم»؛(۲)

همانا امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران و طریق صالحان می باشد، واجب بزرگی که همه واجبات دیگر به واسطه آن اقامه می شود، مذاهب امنیت می یابند، تجارت ها

ص:۱۱۸

۱- ۱۵۱. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۲- ۱۵۲. اصول کافی، ج ۵، ص ۵۵؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۰؛ وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۸۹.

حلال می شود، حقوق پایمال شده مسترد می گردد، زمین آباد می شود، نسبت به دشمنان انصاف رعایت می شود و کارها در راه مستقیم جریان می یابد. پس به قلبتان از کار بد دیگران اظهار ناراحتی کنید و به زبان نهی از منکر کنید و در راه خدا از هیچ سرزنش و ملامتی نترسید.

حقیقت این است که همان طور که انحراف جامعه اسلامی از راه های باریک و زاویه های کوچک شروع می شود، اصلاح جامعه نیز همین گونه باید پیگیری شود؛ یعنی هرگاه شیطان و نفس اماره بتوانند فقط یک نفر را از مسیر مستقیم خدا منحرف کنند، همین یک نفر می تواند رفیق خود، برادر خود، همکار خود، همکلاسی و یا همسایه خود را هم منحرف نماید و همین طور تا سایر افراد جامعه؛ متقابلاً ـ اگر هریک از افراد جامعه در برابر خود و رفیق و خانواده خود، و همسایه و همکلاسی و همشهری و همکیش خود احساس مسئولیت کند، و از کوچک ترین زاویه و خطا جلوگیری نماید، کل جامعه اسلامی در طریق مستقیم خدا هدایت و باقی می مانند و به صلاح و فلاح و رستگاری می رسند.

امّا اگر هر کسی، آن گاه که اوّلین انحراف را می بیند سکوت کند، آن دیگری هم همین حرف را بگوید، این انحراف و فساد گسترش می یابد و کل جامعه را ساقط می کند. یعنی دیگر هیچ واجبی را نمی توان عمل نمود، هیچ عبادتی انجام نخواهد شد، و این است معنای فرمایش حضرت که فرمود بهما تقام الفرائض.

به چیزی که نمی دانند گواهی ندادن

«و لایشهدوا بما لایعلمون»

در یک جامعه انسانی که افراد متعدد با نیات متفاوت و حقوق و تکالیف متعارض وجود دارند، وجود اختلاف نیز حتمی است؛ یعنی حقوق افراد گاه با تکالیف دیگران متعارض می شود که برای اثبات حقّ هر فردی راه های گوناگونی هم وجود دارد، یکی از این راه ها گواهی و شهادت دادن دیگران است. یعنی با شهادت و گواهی دو نفر، حقی برای کسی ثابت می شود که اگر خدای نکرده دروغی در کار باشد و یا به هر نحوی مکر و حیله کنند، ممکن است حقّی پایمال گردد و به افرادی ظلم شود.

به همین جهت در شرع مقدّس اسلام، هم برای شهادت راست دادن تشویق و ترغیب شده که آنچه مردم می دانند کتمان نکنند(۱) و هم بر شهادت دروغ وعده عذاب داده شده است:

«وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهدَةَ وَمَن يكْتُمْها فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»؛(۲)

«... و شهادت را کتمان نکنید! و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است. و خداوند، به آنچه انجام می دهید، داناست».

و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در مورد گواهی و شهادت دروغ فرمودند:

«یبعث شاهد الزور یوم القیامه مدلعاً لسانه فی النار»؛(۳)

ص:۱۲۰

۱- ۱۵۳. وَلَا يأْبَ الشُّهَدَآءُ إِذَا ما دُعُوا ...»؛ سوره بقره، آیه ۲۸۳.

۲- ۱۵۴. سوره بقره، آیه ۲۸۳.

۳- ۱۵۵. کتاب گفتار انبیا ۳۲۸.

شاهد و گواه دروغ، در روز قیامت در حالی برانگیخته می شود که زبانش از دهانش بیرون آمده و به آتش می رسد.

در سوره فرقان وقتی اوصاف «عباد الرحمان» و بندگان خاص خدا را بر می شمرد به اینجا می رسد که می فرماید:

«وَالَّذِینَ لَا یشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا کِرَاماً»؛(۱)

«و کسانی که شهادت به باطل نمی دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی کنند)؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می گذرند».

۱- ۱۵۶. سوره فرقان، آیه ۷۲.

طلا و نقره ذخیره نکردن

«و لایکنزون ذهباً و لافضه»

مضـمون حدیثی از معصومان علیهم السلام است که فرموده اند: هیچ ثروت انباشته شده ای ندیدم مگر این که حقّ مظلومی در کنار آن پایمال شده باشد.

اگر خـدا، خـدایی می کنـد که خودش بهتر می دانـد مخلوقـاتش را چگونه اداره کنـد، خودش خوب می توانـد روزی شان را تأمین کنـد؛ به گونه ای که کسـی با شـکم گرسـنه سر بر زمین نگـذارد؛ لکن از طرفی خـدا انسان را آزاد آفریـده، دنیا را دار تکلیف قرار داده، دار عمـل نـام نهاده است و از طرفی هم نفس انسان و شـیطان، او را به سرکشـی وسوسه می کننـد، به طغیان دعوت می کنند، و به گناه و معصیت و ظلم تشویق می کنند که نتیجه آن ها گاه این می شود که کسانی به دیگران ظلم کنند، عدّه ای همه چیز را برای خود بخواهند و افرادی ثروت اجتماع را در خانه و حساب بانکی خود انبار کنند.

آن گاه خیل عظیمی از جامعه به فقر و تنگـدستی دچار شونـد که حتی لقمه نانی برای سـیر کردن شـکم فرزندان خود نداشـته باشند، سایبان و سقفی نداشته باشند که شب را در آرامش و آسایش در آن به سر برند.

کسـی که ادّعـا می کنـد دوسـتدار امـام زمـان علیه السـلام است از این اعمال به دور است، آن که دوست دارد یار و یاور امام زمان علیه السـلام باشد به این وضع راضـی نیست، کسـی که منتظر قیام و ظهور است باید مقدمات آن را با اعمال خود تا آنجا که می تواند فراهم کند.

ص:۱۲۲

البته ناگفته نماند که سرمایه داشتن و کار کردن و تولید جامعه را بالا بردن، بد نیست، ثروت اندوزی و محروم کردن مردم از مواهب خدادادی ناپسند است.

ص:۱۲۳

امّا آنچه که امام زمان علیه السلام برای یارانش تعهد می کند:

۱- برای خود ملازم و دربانی نگیرد.

۲- هرکجا می روند با ایشان باشد.

۳- چون آنان لباس بپوشد.

۴- بر مرکوبی مانند مرکوب آنان سوار شود.

۵- چنان باشد که آنان هستند و دوست دارند.

۶- به کم راضی و قانع باشد.

۷- به یاری خدا زمین را پر از عدل کند، چنان که از ظلم پرشده است.

۸- خدا را آن گونه که باید و شاید عبادت کند.

۹- خراسان برایش فتح خواهد شد.

۱۰- اهل یمن مطیع او خواهند شد.

۱۱- لشکرهایی از یمن به استقبال وی خواهند آمد.(۱)

۱- ۱۵۷. از تلفیق هر دو نسخه ای که قبلاً اشاره شد این تعداد موارد به دست می آید.

نتیجه و نگاه کلی

با یک نگاه کلی به بندهای بیعت نامه و بررسی آثار آن، به این نتیجه می رسیم که جهان مهدوی و جامعه اسلامی، جامعه ای است که همه مردم دین دار، در امنیت، سلامت، آزادی و رفاه نسبی به سر می برند.

وقتی کسی دزدی و احتکار نکند، برای به دست آوردن ثروت و دارایی ای که داشتن و نداشتنش در زندگی او تأثیر چندانی ندارد تلاش نکند، به حقّ خود قانع بوده و به حقوق دیگران تجاوز ننماید و دارایی های بدون استفاده اش را انباشته نکند که دیگران از آن بی نصیب شوند، این امکان برای تمام مردم جامعه پیدا می شود که در یک موقعیت مناسب زندگی کرده و از تمام مواهب یک زندگی در سطح خوب استفاده کنند و هر کدام به سهم خود در تولید ثروت و مصارف زندگی سعی وتلاش خواهد کرد و لذا سایه فقر و تنگدستی از جامعه مهدوی بر چیده خواهد شد.

امنیت جامعه مهدوی یکی دیگر از نتایجی است که با عمل به این بیعت نامه به دست می آید، وقتی کسی به دیگری تعرّض نکند، کسی راه ها راناامن و راهزنی نکند، دزد و سارقی پیدا نشود، مردم در حفظ آبروی خود احساس آرامش نمایند، خانه ها امنیت داشته باشد، همه در آسایش و آرامش و امنیت زندگی خواهند کرد.

اگر جامعه در امنیت به سر ببرد، آزادی افراد نیز خود به خود تأمین می شود، همه با آزادی کامل و امنیت خاطر زندگی می کنند و به کار و زندگی و سفر مبادرت خواهند ورزید.

ص:۱۲۵

اگر همه از گناهان و نجاسات دوری کنند، از پلیدی ها اجتناب نمایند، کسی شراب نخورد، مواد مخدر مصرف نکند، ... و به همه دستورهای بهداشتی اسلام، از فردی و اجتماعی، و روحی و اخلاقی و جسمانی، عمل نمایند، همه به سلامت خواهند بود و جامعه سالم مهدوی شکل خواهد گرفت.

به امید آن روز خجسته!

ص:۱۲۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹